دولت اسلامی افغانستان

مرکز تعلیمی افغانستان



مدیریت نصاب

حدیث شریف

برای صنف نهم

مؤلف: الحاج مولوی ولی الحق «صدیقی» «دیوبندی»


لا إله إلا الله محمد رسول الله

حدیث شریف

برای صنف نهم

مولف : الحاج مولوی ولی الحق «صدیقی» «دیوبندی»

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحیم

رَبِّ زِدْنِی عِلْمًا

قَالَ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَسَلَّمَ

فرموده است حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه وسلم)

رَضِیتُ بِاللّٰهِ رَبًّا وَّ

راضی هستم که الله پروردگار ما است.

بِالْاِسْلَامِ دِیْنًا وَّ

اسلام دین ما است.

بِمُحَمَّدٍ نَبِیًّا وَّرَسُوْلًا

محمد (صلی الله علیه وسلم) نبی و رسول ما است.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمْ

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ خَلَقَ الْاِنْسَانَ وَجَعَلَهٗ اَکْرَمَ الْخَلَائِقِ بِالْعِلْمِ وَالْکَرَمِ وَجَعَلَ اُمَّةَ مُحَمَّدٍ خَیْرَ الْاُمَمِ وَاَمَرَهُمْ بِالدَّعْوَةِ وَالْاِرْشَادِ وَالْجِهَادِ الْمُعَظَّمِ وَالصَّلٰوةُ وَالسَّلَامُ عَلٰی سَیِّدِ الْاَنْبِیَاءِ وَمُعَلِّمِ الْبَشَرِ وَعَلٰی اٰلِهٖ وَاَصْحَابِهٖ اَجْمَعِیْنَ .

امابعد :

ازبدو آغاز جهاد مقدس اسلامی درکشور استادان علما و دانشمندان ما توجه جدی خویش را در ساحات مختلف رشد فرهنگ اسلامی تحقق اهداف علمی شاگردان معارف واستفاده ازمزایای علم ودانش مبذول داشته وبه این ترتیب وصف شرایط ضیق ووضع ناگوار مهاجرت باثبات رسانیدند که ملت غیور وقهرمان افغانستان توانسته است مبارزه شمشیر وقلم هردورا پهلوی هم درطول یازده سال گذشته ادامه دهند .

مرکز تعلیمی افغانستان که پرسونل وکارکنان انرا اشخاص ورزیده ولایق تنظیمهای محترم مختلف جهادی تشکیل میدهد به نوبهٔ خود کوشیده است تا پروگرام درسی مدارس داخل کشور رابامعیار های علمی و شرایط کنونی عیار نموده کتب درسی مرحله ابتدائیه و محتویات آنرا بااستفاده ازمیتود های قبول شده تعلیمی تهیه و بمعرض تطبیق قرار دهد .

واکنون که بفضل خداوند متعال تهیه و طبع کتب درسی مرحله ابتدائیه

به اتمام رسیده وبیاری خداوند بزرگ مرحله متوسط و ثانوی را آغاز مینماید، باز هم وظیفه علمی خودرا درتهیه یک پروگرام تعلیمی بهتر که باسائر موازین علمی واساسات تعلیمی تطابق داشته باشد فراموش نه نموده است .

کمافی السابق درتهیه وتدوین کتب درسی بااستفاده ازپروگرام های تعلیمی سائرتنظیم های جهادی سعی بلیغ بخرج داده‌است مرکزتعلیمی افغانستان وظیفه خود میداند تا از استادان دانشمند وسائرکارکنان محترم مدیریت نصاب تعلیمی که دربوجودآوردن یک نصاب تعلیمی اسلامی موحد، ومطابق باموازین علمی از هیچگونه ایثار وفداکاری دریغ نورزیده اند ابرازامتنان وتشکر نموده مؤفقیت مزید شانرا در راه خدمت به علم ومعارف کشور آرزو نماید .

امیدواریم نسل جوان وآینده کشور درنتیجه راهنمائی های خردمندانه و عالمانه استادان فاضل مدارس کشور از آن استفاده اعظمی نموده ، تابرای افغانستان نوین که یک افغانستان اسلامی آزاد، آباد و پیشرفته خواهد بود عضومفید بیارایند .

ومن الله التوفیق

مرکز تعلیمی افغانستان

فهرست مطالب

شماره	عنوان	صفحه
۱ -	امر به نیکوئی و نهی از بدی	۱
۲ -	برخی از تعالیم اسلامی	۷
۳ -	نصیحت و خیر اندیشی	۱۲
۴ -	فضیلت تلاوت قرآن کریم	۱۸
۵ -	عظمت قرآن کریم	۲۴
۶ -	منع تلاوت کتب آسمانی دیگر بعد از نزول قرآن	۲۹
۷ -	فضیلت روز جمعه	۳۴
۸ -	صداقت و راستی	۳۹
۹ -	عیادت مریض	۴۵

شماره	عنوان	صفحه
۱۰ -	مقام و درجه شهید	۵۲
۱۱ -	زیارت قبور	۵۸
۱۲ -	طرز سخن گفتن و برخورد با مردم	۶۳
۱۳ -	بهترین اوصاف زن منکوحه	۶۹
۱۴ -	عاقل در نظر اسلام کیست ؟	۷۴
۱۵ -	امیر عادل و امیر ظالم	۷۹
۱۶ -	عفو و بخشش	۸۴
۱۷ -	حقوق فقرا و مساکین	۹۰
۱۸ -	حقوق یتیم	۹۴
۱۹ -	حقوق شوهر بر زن	۱۰۲
۲۰ -	تاجر صادق	۱۰۷

شماره	عنوان	صفحه
۲۱ -	احتکار	۱۱۳
۲۲ -	ریاء وخودنمائی	۱۱۸
۲۳ -	اضرار ظلم	۱۲۳
۲۴ -	خلق نیکو	۱۲۸
۲۵ -	اخلاق سیّئة	۱۳۴
۲۶ -	بدگمانی وبهتان	۱۴۱
۲۷ -	حسن صداقت وقبح خیانت در معاملات	۱۴۷
۲۸ -	شفقت وترحم بریکدیگر	۱۵۲
۲۹ -	ضرر رسانی به برادر مسلمان	۱۵۷
۳۰ -	توبه وبازگشت بسوی خدای یگانه	۱۶۲

شماره	عنوان	صفحه
۳۱ -	امید وار بودن بلطف وکرم خداوند تعالیٰ	۱۶۹
۳۲ -	مأخذ	۱۷۵

بسم الله الرحمن الرحيم

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعٰلَمِيْنَ ، اَلرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ، مٰالِكِ يَوْمِ الدِّيْنِ

وَالصَّلٰوةُ وَالسَّلَامُ عَلٰى سَيِّدِ الْاَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِيْنَ وَ اِمَامِ الْمُتَّقِيْنَ خَيْرِ خَلْقِ اللّٰهِ اَجْمَعِيْنَ مُحَمَّدِ نِ الْهَادِىْ اِلٰى سَبِيْلِ الْهُدٰى وَعَلٰى اٰلِهٖ وَصَحَابَتِهٖ وَمَنْ دَعَا بِدَعْوَتِهٖ اِلٰى يَوْمِ الدِّيْنِ

امر به نیکوئی ونهی از بدی

عَنْ اَبِىْ سَعِيْدِ الْخُدْرِىْ رَضِىَ اللّٰهُ عَنْهُ قَالَ : سَمِعْتُ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُوْلُ : مَنْ رَاٰى مِنْكُمْ مُنْكَرًا فَلْيُغَيِّرْهُ بِيَدِهٖ ، فَاِنْ لَّمْ يَسْتَطِعْ فَبِلِسَانِهٖ ، فَاِنْ لَّمْ يَسْتَطِعْ فَبِقَلْبِهٖ وَذٰلِكَ اَضْعَفُ الْاِيْمَانِ . رواه مسلم (۴۹)

معنی حدیث :

از ابوسعید خدری (رض) روایت است که گفت : از رسول الله (ص) شنیدم که میفرمودند : کسیکه دید از شما کار بدی را ، پس باید آنرا بدست خود اصلاح نماید واگر (با دست) نتوانست پس بزبان خود آنرا منع کند واگر (بزبان هم) نتوانست پس باید دردل خود (از شخص مرتکب) متنفر شده اورا بد ببیند ، که این ضعیف ترین مرحلهٔ ایمان است .

معنی بعضی کلمات :

۱ - فَلْيُغَيِّرْهُ بِيَدِهِ : پس باید آنرا بادست خود اصلاح وتغییر بدهد .

۲ - مُنْكَرًا : باضمهٔ میم وفتحهٔ کاف ، قبیح وناشایسته .

شرح معنی حدیث :

حضرت رسول الله صلی الله علیه وسلّم درحدیث گذشته مراتب اشخاص ایماندار را به سه درجه تقسیم فرموده اند : ۱ - کسانیکه قدرت وتوانائی

جلوگیری از کارهای نامشروع را به دست داشته باشند، مکلف اند آنرا بزور بازوی خود توقف داده از آن ممانعت کنند، از قبیل لت وکوب شخص بدکار، حبس ویا تبعید وی از منطقه.

۲ - کسانیکه قدرت اصلاح آنرا بدست وقوت بازو نداشته وصرف میتوانند بزبان تبلیغ نموده، اشخاص بدکار را متوجه اعمال ناروای شان ساخته واز آن ممانعت کنند.

چنین اشخاص، در صورت بجا آوردن وجیبهٔ تبلیغ زبانی، در درجهٔ دوم مستحق اجر وثواب میگردند.

۳ - گروه سوم آنانی اند که نه قدرت بازو ونه هم توانائی لسانی دارند. یعنی مجال تبلیغ را نیز ندارند. چنین اشخاص وظیفه دارند تا حداقل از اشخاص بدکار واعمال بد اوشان قلباً متنفر بوده وبآنها بدیدهٔ کراهت بنگرند، که این عمل ضعیف ترین درجه شخص مؤمن است.

همچنین در مورد امر به نیکی ونهی از بدی خداوند تبارک وتعالیٰ در سورهٔ آل عمران چنین فرموده است :

وَلْتَكُنْ مِّنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿۱۰۴﴾

(سورهٔ آل عمران ۱۰۴)

ترجمه :

بالضرور ، باید باشد از شما گروهی که دعوت کنند (مردم را) بسوی نیکی وبفرمایند به کار پسندیده ومنع نمایند از کارهای زشت وبد . وآن گروه کامیاب ورستگار اند .

امر بالمعروف ونهی از منکر نظر به آیه کریمه فوق الذکر وحدیث گذشته وامثال آن نزد جمهور علماء واجب است وبرخی گفته اند که فرض کفائی است ولی گاهی فرض عین نیز میگردد . وآن درصورتیست که عمل بد وناروا درمحلی باشد که غیر از یک شخص کس دیگری

برآن علم نداشته باشد، لذا امر به معروف ونهی از منکر برچنین شخص فرض عین است .

فوائد حدیث فوق الذکر :

۱ - کسیکه کار بد شخص دیگر را بزور بازو و قدرت جسمی خود اصلاح نمود در درجهٔ قوی ایمان قرار دارد .

۲ - کسیکه کار نامشروع را به زبان خود اصلاح نمود در درجهٔ دوم ایمان قرار دارد .

۳ - کسیکه از عمل ناروای شخص دیگر صرف در قلب خود نفرت داشته و اورا بد بیند ، چنین شخص باز هم مؤمن گفته میشود ولی در ضعیف ترین درجهٔ ایمان قرار دارد .

تمرین

۱ - امر بمعروف ونهی از منکر بکدام آیت ثابت شده است ؟

۲ - مراتب امر به معروف ونهی از منکر نظر به حدیث فوق الذکر چند است واضح سازید ؟

۳ - امر به معروف ونهی از منکر فرض است یا واجب ویا چطور ؟

۴ - چرا کسیکه عمل ناروای شخص دیگری را مشاهده کند ولی او را صرف درقلب خود بد ببیند ، درضعیف ترین درجه ایمان قرار دارد ؟

۵ - حال کسانیکه اعمال زشت ونامشروع اشخاص دیگر را مشاهده مینمایند ولی با وجود قدرت وتوانائی جسمی ویا زبانی بازهم در برابر آنها بی تفاوتی نشان نداده وباصلاح آنها نمیپردازند ، نظر به حدیث مبارک فوق الذکر ، چه خواهد بود ؟

برخی از تعالیم اسلامی

عَنْ اَبِی سُفْیَانَ صَخْرِ بنِ حَرْبٍ رَضِیَ اللهُ عَنْهُ فِی حَدِیْثِهِ الطَّوِیْلِ فِیْ قِصَّةِ هِرَقْلٍ ، قَالَ هِرَقْلُ : فَمَا ذَا یَأْمُرُکُمْ ، یَعْنِی النَّبِیَّ صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَسَلَّمَ ، قَالَ أَبُوسُفْیَانُ : قُلْتُ ، یَقُوْلُ : أُعْبُدُوااللهَ وَحْدَهُ وَلَا تُشْرِکُوْا بِهِ شَیْئًا، وَاتْرُکُوْا مَایَقُوْلُ آبَاءُکُمْ ، وَیَأْمُرُنَا بِالصَّلٰوةِ وَالصِّدْقِ وَالعَفَافِ وَالصِّلَةِ .

معنی حدیث : (رواه البخاری والمسلم)

از ابی سفیان صخر بن حرب (رض) ، روایت است ، در حدیث طولانی اش در بارهٔ قصه هرقل که هرقل گفت : پیغمبر خدا (ص)، شمارا به چه امر میکند ؟ ابوسفیان گفت ، گفتم میگوید : عبادت کنید

خدای واحد را، و شریک نسازید با او هیچ چیزی را، و ترک نمائید آنچه را که پدران شما میگویند. و امر می کند ما را به نماز، راستکاری پاکدامنی و صلهٔ رحم.

توضیح معنی حدیث :

اصل قضیه چنین است که پادشاه روم (هرقل) در بیت المقدس بود که نامهٔ آنحضرت (ص) مبنی بر دعوت وی بسوی اسلام برایش رسید. هرقل تلاش کرد تا شخصی را پیدا کند و از وی در مورد رسول الله (ص) معلومات حاصل نماید. وی چند نفری را یافت که در آن جمله ابوسفیان (که تا هنوز مسلمان نشده بود) نیز شامل بود.

هرقل از ایشان سوال نموده پرسید : به چه چیز شما را امر میکند؟ مقصدش حضرت رسول کریم (ص) بود، ابوسفیان میگوید، گفتم : تعلیم توحید میدهد و میگوید : خدای واحد را قبول کنید وتنها عبادت

وی را کرده باشید وهیچ چیزی را با وی شریک نسازید . صرف آن ذات الهی است که بر آسمانها و زمین قدرت دارد . درین قدرت وانتظام نه شخصی را شریک خود گردانیده و نه شخصی موجود است که با زور وقدرت خود با ذات اقدس الهی برابری کرده بتواند . لذا نباید بجز ذات او تعالی کسی دیگری را سجده کرد . وهم در رفع مصائب وحل سائر مشکلات باید از ذات یگانه او مدد طلبید . وراهی را که مشرکین ، ملحدین وکفار در پیش گرفته اند ترک نموده براه راست یعنی دین مقدس اسلام که همه خوشبختی های دنیا وآخرت در آن مضمر است رو آورد ، وبه آن متمسک شد .

علاوه بر آن حضرت محمد (ص) ، امر می کند تا نماز را با ارکان و شرایط آن ادا نمائیم ، راستگو وراستکار باشیم ، پاکدامنی را اختیار کرده کاری را انجام ندهیم که خلاف مقررات وتعالیم عالی اسلام باشد ،

ونیز با دوستان و خویشاوندان رویهٔ نیک داشته قطع صلهٔ رحم نه نمائیم. زیرا همه ما اولاد یک مادر و پدر و برادران یکدیگر هستیم.

فوائد حدیث:

۱ - انسان باید تنها عبادت ذات اقدس الهی را نماید.

۲ - در هیچ چیزی (از قول و عمل) با خداوند تبارک و تعالی شریک نباید آورد.

۳ - عقاید باطله و بی اساس را ترک باید کرد.

۴ - پابندی به نماز و راستگوئی و راستکاری و هم پاکدامنی را اختیار کرده با برادران و دوستان رویهٔ نیک باید داشت.

تمرین

۱ - هرقل کی بود و از کدام شخص سوال نمود ؟

۲ - هرقل راجع بکدام شخص سوال نموده و در چه مورد معلومات همه جانبه میخواست ؟

۳ - جواب دهنده سوال هرقل را چطور جواب داد ؟

۴ - تعمیل مطالب مندرجه حدیث فوق الذکر بعد از ایمان بوحدانیت خداوند تعالی چه تأثیری را درامور اجتماعی دربر دارد ؟

نصیحت وخیر اندیشی

عَنْ اَبِیْ رُقَیَّةَ تَمِیْمِ بنِ أَوْسٍ الدَّارِیِّ رَضِیَ اللهُ تَعَالٰی عَنْهُ اَنَّ النَّبِیَّ صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَسَلَّمَ قَالَ : اَلدِّیْنُ النَّصِیْحَةُ . قُلْنَا ، لِمَنْ ؟ قَالَ : لِلّٰهِ وَلِكِتَابِهِ وَلِرَسُوْلِهِ وَلِأَئِمَّةِ الْمُسْلِمِیْنَ وَعَامَّتِهِمْ .

(رواه مسلم)

معنی بعضی کلمات :

۱ - اَلدِّیْنُ : عبارت از اسلام و ایمان است .

۲ - اَلنَّصِیْحَةُ : خیرخواهی وخوش بینی .

معنی حدیث :

از ابو رقیة تمیم بن اُوس داری (رض) روایت است که هرآیینه حضرت پیغمبر صلّی الله علیه وسلّم فرمودند :

دین عبارت از نصیحت و خیر خواهی است .

گفتیم : به کی ؟

آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمودند : برای خدا (ج)، و برای کتاب او و رسول او تعالی ، و برای اولیای امور مسلمین و کافهٔ امت مسلمه .

این حدیث را مسلم روایت کرده .

(ریاض الصالحین ۵۵)

توضیح معنی حدیث :

۱ - مطلب از نصیحت به خدا (ج)، اینست که با و تعالی ایمان آورده یعنی بوجود و وحدانیت خدا (ج)، که واحد ولا شریک است ، وهیچکس با او شریک نبوده ، متصف بصفات کمال و جلال ، و منزه از تمام نواقص وعیوب است . و نیز از اوامر و نواهی وی (ج) اطاعت کامل نمودن ، شکر کردن به نعمت های خداوند تعالی ، اخلاص در تمام امور

عبادات و دعا، و استغفار است که در حقیقت نفع همهٔ این اوصاف
در نصیحت و خیر اندیشی بخود بنده راجع است ، زیرا خداوند (ج) از نصیحت
ناصحین مستغنی و بی نیاز است .

۲ - نصیحت به کتاب خداوند (ج)، ایمان آوردن به قرآنکریم
که کلام خداوندی است میباشد . و اینکه از جانب الله (ج)، نازل شده
و سخن مردم با آن مانند شده نمیتواند . و هم هیچ یک از مخلوق ها در
به آوردن و جور کردن مثل آن نمیباشد . و بنده مکلف است
که احکام و محتویات آنرا حرفاً حرفاً و کاملاً تصدیق نموده و به احکام
آن عمل و در علوم و عجائب آن فکر کرده از عام ، خاص ، ناسخ
و منسوخ آن خودرا آگاه سازد .

۳ - مطلب از نصیحت به رسول خدا (ج)، ایمان آوردن بر رسول خدا (ص)
و قبول کردن رهنمائی های او ، یعنی تصدیق برسالت او و ایمان به تمام چیزهایست

که ازجانب خداوند (ج)، آورده، ونیز اطاعت از اوامر ونواهی او و زنده نگهداشتن طریقه وسنت نبوی (ص)، ومتخلق بودن به اخلاق وآداب او ومحبت به اهل بیت واصحاب کرام (رض) میباشد.

۴ - مطلب از نصیحت به اولیای امورمسلمانان، پیروی اوشانست درامور یکه موافق شرع شریف باشد، وهمکاری با اوشان درکارهای حق واطاعت از اوامر آنها درصورتیکه آن اوامر مطابق شرع صادر شده باشند.

۵ - مطلب از نصیحت برای عموم مسلمانان، رهنمائی اوشان است براهیکه درآن مصالح دینوی واخروی نهفته باشد.

فوائد حدیث :

۱ - ایمان آوردن بوجود ووحدانیت اوتعالی که واحد ولاشریک است.

۲ - قرآن کریم راکتاب خداوند (ج)، دانستن وبه ارشادات

آن عمل کردن .

۳ - ایمان آوردن براینکه محمد (ص) رسول خدا (ج) است و به رهنمائی های او عمل کردن .

۴ - نصیحت به اولیای امور مسلمانان و کافهٔ مسلمین از واجبات دین است .

تمرین

۱ - مفهوم نصیحت به خداوند (ج) را واضح بیان دارید ؟

۲ - نصیحت به کتاب خدا (ج) چه مفهوم دارد واضح سازید؟

۳ - مطلب از نصیحت به رسول خدا (ج)، چیست ؟

۴ - نصیحت به پیشوای مسلمانان و بعموم مسلمین بکدام طریقه انجام می پذیرد واضح سازید ؟

فضيلت تلاوت قرآن كريم

عَنْ أَبِي مُوسَى الْأَشْعَرِيِّ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ قَالَ : قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ :

مَثَلُ الْمُؤمِنِ الَّذِي يَقْرَأُ الْقُرْآنَ مَثَلُ الْأُتْرُجَةِ، رِيحُهَا طَيِّبٌ وَطَعْمُهَا طَيِّبٌ وَمَثَلُ الْمُؤْمِنِ الَّذِي لَا يَقْرَأُ الْقُرْآنَ كَمَثَلِ التَّمْرَةِ، لَا رِيحَ لَهَا وَطَعْمُهَا حُلْوٌ وَمَثَلُ الْمُنَافِقِ الَّذِي يَقْرَأُ الْقُرْآنَ كَمَثَلِ الرَّيْحَانَةِ ، رِيحُهَا طَيِّبٌ وَطَعْمُهَا مُرٌّ ، وَمَثَلُ الْمُنَافِقِ الَّذِي لَا يَقْرَأُ الْقُرْآنَ كَمَثَلِ الْحَنْظَلَةِ ، لَيْسَ لَهَا رِيحٌ وَطَعْمُهَا مُرٌّ . (رواه البخاري ومسلم)

معنى بعضى كلمات :

١ - أُتْرُجَةِ : ترنجبين .

٢ - طَيِّبٌ : خوش مزه ، پاك .

٣ - طَعْمُهَا : مزهٔ آن .

٤ - حُلْوٌ : شیرین .

٥ - التَّمْرَة : خُرما .

٦ - مُرٌّ : تلخ .

٧ - اَلْحَنْظَلَة : حنظل .

معنی حدیث :

از ابو موسی اشعری (رض) روایت است که گفت : رسول الله صلی الله علیه وسلم ارشاد فرمودند :

حال مؤمن ومسلمانیکه میخواند قرآن را مانند ترنجبین است که بوی ومزهٔ آن هردو خوش آیند است . وحال مؤمن ومسلمانیکه قرآن را (از روی بی توجهی وتنبلی) نمیخواند ، مانند خرما است که بوی ندارد ولی مزهٔ آن شیرین است ، وحال منافق که قرآن را میخواند مانند ریحان است که

بوی آن خوش ولی مزهٔ آن تلخ است ، وحال منافقیکه نمیخواند قرآن را مانند حنظل است که بوی ندارد و مزهٔ آن نیز تلخ است

توضیح معنی حدیث :

درین حدیث مبارک جناب رسول الله صلی الله علیه وسلم مثال چهار نوع انسان را واضح بیان نموده فرموده اند :

۱ - حال آن مؤمنیکه درپهلوی عقیدهٔ پاک و راسخ عمل نیک نیز دارد، وهمواره قرآن کریم را تلاوت میسکند ، مانند ترنجبین است که هم رائحهٔ آن خوش آیند است وهم طعم خوشگوار دارد .

۲ - حال آن مؤمنیکه درپهلوی عقیدهٔ پاک و راسخ درعمل سست وضعیف است وقرآن را تلاوت نمیکند ، مانند خرما است که طعم شیرین وخوشمزه دارد اما بوی ندارد .

۳ - حال منافقی که عقیدهٔ پاک بخداوند (ج) ندارد وطبعاً قرآن راکلام

خداوند «ج» نیز نمیداند ولی (از روی ریاکاری) بازهم قرآنرا تلاوت میکند، این عمل وی درظاهرامر نزد مسلمین خوب جلوه میکند، مگرچون منافق شخص بی ایمان بوده وتلاوت وی قرآن را از روی ریاکاری وبغرض فریب مسلمین است لذا تلاوت او مانند گل ریحان است که درظاهر بوی خوش دارد اما طعم آن تلخ وناپسند است.

۴ - حال آن منافقی که نه بخداوند «ج» عقیده وایمان دارد ونه به تلاوت قرآنکریم میپردازد، مانند حنظل (تربوز ابوجهل) است که نه بوی خوش دارد ونه هم طعم آن شیرین است یعنی درظاهر وباطن ناخوش آیند است.

لذا در حدیث مبارک فوق الذکر از اصل ایمان به طعم واز اعمال که تکمیل ایمان میباشند به بوی تعبیر شده است.

فوائد حدیث:

۱ - مؤمن کامل کسی است که درپهلوی عقیدهٔ پاک، عمل نیک هم داشته

وهمیشه بتلاوت قرآنکریم و دقت درمعانی ومفاهیم آن خودرا عادت میدهد .

۲ - مؤمن غیرکامل کسی است که عقیده پاک دارد ، ولی درعمل ضعیف بوده و از روی تنبلی یا بی توجهی گاهی بتلاوت قرآن کریم مبادرت نمیورزد .

۳ - منافق کسی است که عقیدهٔ پاک بوحدانیت خداوند (ج)، وارشادات دینی ندارد ، گرچه درظاهر گاهی مصدر اعمال نیکو وپسندیده میگردد .

تمرین

۱ - فرق میان مؤمن کامل وغیر کامل چه بوده و در حدیث مبارک فوق الذکر از هر کدام آنها بچه مثال داده شده است ؟

۲ - منافق چه کسی را میتوان گفت و آیا صدور اعمال نیکو از شخص منافق منتج بکدام منفعتی نزد خداوند (ج)، برای وی میگردد یا چطور ؟

۳ - نتیجهٔ که از حدیث مبارک فوق الذکر گرفته اید بصورت مختصر بیان نمائید .

عظمت قرآنکریم

عَنْ أَبِی هُرَیْرَةَ رَضِیَ اللهُ عَنْهُ قَالَ : قَالَ رَسُوْلُ اللهِ صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَسَلَّمَ :

اِنَّ اللهَ تَعَالٰی قَرَأَ (طٰهٰ ویٰسٓ) قَبْلَ اَنْ یَّخْلُقَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ بِاَلْفِ عَامٍ ، فَلَمَّا سَمِعَتِ الْمَلَائِکَةُ الْقُرْاٰنَ، قَالَتْ: طُوْبٰی لِأُمَّةٍ یَنْزِلُ هٰذَا عَلَیْهَا ، وَطُوْبٰی لِأَجْوَافٍ تَحْمِلُ هٰذَا وَطُوْبٰی لِأَلْسِنَةٍ تَتَکَلَّمُ بِهٰذَا . (رواه الدارمی)

معنی حدیث :

از ابو هریره رضی الله عنه روایت است که گفت : رسول الله صلی الله علیه وسلم ارشاد فرمودند : خداوند (ج) سوره (طٰهٰ ویٰسٓ) را هزار سال قبل از پیدایش آسمان ها و زمین قرائت کرد . پس وقتی که شنیدند فرشتگان قرآن را گفتند : خوشی و مبارک باد بر امتیکه نازل میشود این قرآن برای شان

وخوشی و مبارک باد بر سینه هائیکه حفظ می کنند آنرا ، وخوشی و مبارک باد برزبان هائیکه تلاوت میسکنند آنرا .

توضیح معنی حدیث :

مطلب درین حدیث شریف یا فضیلت وعظمت تمام قرآن عظیم الشان میباشد که سوره های (طٰهٰ ویٰسٓ) جزء آنند ، ویا فضیلت همین دوسوره است ، زیراکه جزء وکل قرآن هردو قرآن گفته میشود . وبرتری آنها ازین وجه ثابت شده که هزارسال قبل از پیدایش آسمانها وزمین خداوند قدوس این دوسوره را قرائت کرده و وقتی که ملائکه قرائت قرآن کریم را شنیدند به خوشی و مبارکبادی امت محمد صلی الله علیه وسلم آغاز نموده گفتند که : مبارک باد برامتیکه قرآن کریم برای شان نازل میشود ، وبردلهائیکه آنرا درخود جامیدهند (حفظ می کنند) ، وبرزبان هائی که آنرا قرائت می نمایند .

راجع به عظمت و بزرگی سورهٔ یٰس ، از حضرت انس رضی الله عنه روایت شده که گفت : جناب رسول الله صلی الله علیه وسلم ارشاد فرمودند (۱) .

به تحقیق هر چیز را دلی است ، و دل قرآن (سوره) یٰس است وکسیکه سورهٔ یٰس را قرائت کند ، خداوند (ج) برای وی اجر ده مرتبه قرائت قرآن را میدهد .

فوائد حدیث :

۱ – قرآن کریم از همه کتب آسمانی افضل و بهتر است .

۲ – حدیث مبارک فوق الذکر مارا به حفظ و قرائت قرآن کریم بالخاصه

---

(۱) عَنْ اَنَسٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ : إِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ قَلْبًا وَقَلْبُ الْقُرْآنِ يٰس ، وَمَنْ قَرَأَ يٰس كَتَبَ اللهُ لَهُ بِقِرَاءَتِهَا قِرَاءَةَ الْقُرْآنِ عَشْرَ مَرَّاتٍ . (رواه الترمذی)

بسوره های (طٰهٰ و یٰسٓ) تشویق میکند .

۳ - خداوند (ج) ، قبل از پیدایش آسمان ها و زمین سوره های (طٰهٰ و یٰسٓ) را قرائت کرده است .

۴ - سوره های طٰهٰ و یٰسٓ شریف دارای فضیلت زیادی می باشند .

تمرین

۱ - دلیل فضیلت قرآنکریم را نسبت بدیگر کتب آسمانی بیان نمائید .

۲ - خداوند تبارک وتعالی سوره های طٰهٰ ویس را چند سال قبل از پیدایش آسمانها وزمین قرأت کرده است ؟

۳ - وقتی خداوند (ج) سوره های طٰهٰ ویٰس را قرائت نمود ملائکه باشنیدن آن چه گفتند ؟

منع تلاوت کتب آسمانی دیگر بعد از نزول قرآن

عَنْ جَابِرٍ رَضِيَ اللّٰهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حِيْنَ أَتَاهُ عُمَرُ فَقَالَ : إِنَّا نَسْمَعُ أَحَادِيْثَ مِنْ يَهُوْدَ تُعْجِبُنَا، أَفَتَرٰى أَنْ نَكْتُبَ بَعْضَهَا ؟ قَالَ :
أَمُتَهَوِّكُوْنَ أَنْتُمْ كَمَا تَهَوَّكَتِ الْيَهُوْدُ وَالنَّصَارٰى ، فَقَدْ جِئْتُكُمْ بِهَا بَيْضَاءَ نَقِيَّةً ، وَلَوْ كَانَ مُوْسٰى حَيًّا مَا وَسِعَهُ إِلَّا اتِّبَاعِيْ . (رواه مسلم)

معنی حدیث :

حضرت جابر رضی الله عنه از حضرت نبی کریم صلی الله علیه وسلّم روایت کرده است : وقتی که حضرت عمر (رض) نزد حضرت محمد (ص) آمد عرض کرد :

هر آینه ما میشنویم از یهود سخنانی را که نیک معلوم میشود برای ما ،

آیا اجازه میدهید که بعضی از آنها را نوشته کنیم ؟

رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند : آیا شما میخواهید که بیندازید خودرا (در گودال گمراهی) مثلیکه انداختند خودرا یهود و نصاری ؟ هرآیینه آورده ام برای شما شریعتی راکه روشن و واضح است . واگر موسی زنده می بود چارهٔ جز متابعت من نداشت .

معنی بعضی کلمات :

١ - تُعْجِبُنَا : نیک و بهتر معلوم میشود برای ما .

٢ - أَفَتَرَى : آیا اجازه میدهید ؟

٣ - بَيْضَاءَ : روشن .

٤ - نَقِيَّةً : پاک ، صاف و واضح .

٥ - مَا وَسِعَهُ : درتوان او نبود (چاره نداشت) .

توضیح معنی حدیث :

از حدیث مبارک فوق الذکر واضح میگردد که نوشتن کتب قبلی یعنی تورات ، زبور و انجیل بعد از نزول قرآنکریم ممنوع است . زیرا حضرت عمرفاروق (رض) راجع بنوشتن قسمتی از تورات . از حضرت رسول اکرم (ص) معلومات خواستند ، وجناب رسول الله (ص) از نوشتن آن منع فرمودند ، چون یهودیان تورات را تحریف نموده واصل کتاب خداوندی راپشت سر گذاشتند ، وهم با نزول قرآن کریم تمام کتب آسمانی قبلی منسوخ گردیده اند وعلاوه برآن قرآن کریم کتابی است واضح ، روشن ومکمل که تا روز قیامت بحال خود مانده ودرآن هیچ نوع تغییر وتحریفی صورت گرفته نمیتواند وحافظ حقیقی آن خداوند متعال است ، وخداوند بزرگ وعدهٔ محافظت راغیر از قرآن بدیگر کتب سماوی نداده واین یکی از امتیازات دیگر قرآنکریم است ،

بناءً نوشتن کتب سماوی دیگر بعد از نزول قرآن جواز ندارد . زیرا اگر درخانه کسی چشمهٔ صاف و روشن آب موجود باشد ، لازم نیست که درجستجوی آب مشکوک بجای دیگری برود ، بهمین ترتیب پیروی کتب سماوی غیر از قرآن کریم درست نیست .

از ینجاست که رسول اکرم (ص) در آخر حدیث چنین فرمودند :

اگر موسیٰ زنده می بود جز متابعت من (پیروی از احکام قرآن) چارهٔ نداشت .

فوائد حدیث :

۱ - قرآن کریم کتابیست روشن و مکمل .

۲ - قرآن شریف ناسخ تمامی کتب وصحیفه های سماوی دیگر است .

۳ - مسلمانان باید جز قرآن عظیم الشان دیگر کتب سماوی را که با آمدن قرآن منسوخ گردیده اند مطالعه ننمایند .

تمرین

۱ - حضرت عمر بن الخطاب (رض) در بارهٔ چه از پیغمبر خدا، حضرت محمد (ص) طالب معلومات گردید ؟

۲ - حضرت رسول اکرم (ص) برایش چه جواب دادند ؟

۳ - حضرت محمد رسول الله صلی الله علیه وسلم چه قسم شریعت را برای امت خود آورده است ؟

فضیلت روز جمعه

عَنْ اَبِی لُبَابَةَ بْنِ عَبْدِ الْمُنْذِرِ رَضِیَ اللّٰهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ النَّبِیُّ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَسَلَّمَ:

اِنَّ یَوْمَ الْجُمُعَةِ سَیِّدُ الْاَیَّامِ وَاَعْظَمُهَا عِنْدَ اللّٰهِ، وَهُوَ اَعْظَمُ عِنْدَ اللّٰهِ مِنْ یَوْمِ الْاَضْحٰی وَیَوْمِ الْفِطْرِ، فِیْهِ خَمْسُ خِلَالٍ: خَلَقَ اللّٰهُ فِیْهِ آدَمَ وَاَهْبَطَ اللّٰهُ فِیْهِ آدَمَ اِلَی الْاَرْضِ وَفِیْهِ تَوَفَّی اللّٰهُ آدَمَ، وَفِیْهِ سَاعَةٌ لَا یَسْاَلُ الْعَبْدُ فِیْهَا شَیْئًا اِلَّا اَعْطَاهُ مَالَمْ یَسْاَلْ حَرَامًا، وَفِیْهِ تَقُوْمُ السَّاعَةُ. مَامِنْ مَلَكٍ مُقَرَّبٍ وَلَا سَمَاءٍ وَّلَا اَرْضٍ وَّلَا رِیَاحٍ وَّلَا جِبَالٍ وَّلَا بَحْرٍ اِلَّا هُوَ مُشْفِقٌ مِّنْ یَوْمِ الْجُمُعَةِ. (رواه ابن ماجه، مشکوٰة)

معنی حدیث:

از ابولبابه بن عبدالمنذر (رض)، روایت شده که گفت: جناب

رسول اکرم صلی الله علیه وسلم فرمودند :

بدرستی که روز جمعه بهترین روز ها و بزرگترین آنها است نزد خداوند (ج)،

این روز بزرگتر است نزد خدا (ج) از روز عید قربان و روز عید فطر.

درین روز پنج خصلت و برتری وجود دارد :

۱ - خداوند (ج)، آدم (ع) را درین روز پیدا کرده است .

۲ - و فرو افگند خداوند (ج)، آدم (ع) را درهمین روز بزمین .

۳ - درین روز خداوند (ج)، آدم (ع) را قبض روح کرده است .

۴ - درین روز ساعتی است که هرچه را بنده در آن ساعت از خداوند تعالی بخواهد ، درصورتیکه حرام را نخواسته باشد برایش میدهد .

۵ - و قیامت در روز جمعه قایم میگردد .

هریک از فرشتگان مقرب بحضور الله تبارک وتعالی ، آسمان، زمین ، باد ها ، کوه ها و دریا ها همه از (عظمت) روز جمعه در هراس اند .

توضیح معنی حدیث :

از حدیث مبارک فوق الذکر معلوم میگردد که روز جمعه از سائر ایام دیگر افضل و منزلت آن نسبت بروز های عید قربان و عید فطر نزد خداوند (ج) بزرگتر است . گرچه درین حدیث شریف از روز عرفه صریحاً ذکری بعمل نیامده است ، ولی روز عید قربان متضمن روز عرفه نیز است لذا روز جمعه از روز عرفه هم برتری دارد .

وقتیکه روز جمعه از تمام روز های دیگر بهتر گردید ، معلوم شد که عبادت نیز درین روز مبارک اجر و ثواب بیشتر دارد . و از همه مهمتر اینکه در روز جمعه ساعتی نهفته است که هرگاه مناجات انسان با ساعت مذکور تصادف کند خداوند بزرگ آنرا بدربار خود مستجاب میکند . و البته حکمت در پنهان بودن ساعت اجابت دعاء اینست تا بنده تمام روز جمعه از ذکر و عبادت خدا (ج) ، غافل نباشد . و نیز چون وقوع قیامت درین روز صورت می گیرد

لذا انسان باید همواره در آن به دعاء و استغفار مشغول و از قیام قیامت در هراس باشد ، نه تنها انسان ، بلکه حتی آسمانها ، زمین ، باد و سائر موجودات عالم همه از آنچه در این روز اتفاق می افتد نیز در هراس اند .

فوائد حدیث :

۱ - روز جمعه نسبت بهمه روز های دیگر افضل و بهتر است .

۲ - روز جمعه دارای پنج خصوصیت مهم و ارزنده است که در روز های دیگر حتی در ایام عیدین نیز چنین خصوصیت ها وجود ندارد .

۳ - در روز جمعه ساعتی بنام ساعت اجابت دعاء از جانب خداوند (ج) قبول گردیده که دعای مشروع شخص مسلمان در آن ساعت مستجاب می گردد .

۴ - قیامت در روز جمعه واقع میگردد .

تمرین

۱ - دلیل برتری روز مبارک جمعه نسبت بسائر روز ها چه بوده واضح سازید ؟

۲ - در روز جمعه کدام چیز ها در خوف و هراس میباشند ؟

۳ - وقت قبول دعاء در روز جمعه معلوم است و یانه واضح بیان کنید؟

۴ - قیامت درکدام روز قایم میگردد واضح سازید ؟

صداقت و راستی

عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ مَسْعُودٍ رَضِیَ اللهُ عَنْهُ قَالَ : قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَسَلَّمَ :

عَلَیْکُمْ بِالصِّدْقِ فَاِنَّ الصِّدْقَ یَهْدِیْ اِلَی الْبِرِّ وَاِنَّ الْبِرَّ یَهْدِیْ اِلَی الْجَنَّةِ . وَمَا یَزَالُ الرَّجُلُ یَصْدُقُ وَیَتَحَرَّی الصِّدْقَ حَتّٰی یُکْتَبَ عِنْدَ اللهِ صِدِّیْقًا .

(متفق علیه)

معنی حدیث :

از عبدالله بن مسعود رضی الله عنه روایت است که گفت : حضرت رسول الله صلّی الله علیه وسلم فرمودند :

لازم است برشما تا راستگوی باشید ، زیرا راستی رهنمائی می کند به نیکوکاری ، و نیکوکاری رهنمائی میکند بسوی بهشت .

انسانیکه همیشه راست میگوید و پی راستی میگردد ، در آخر الأمر نزد خداوند بنام صدیق مسمّی میگردد .

معنی بعضی کلمات :

۱ - عَلَیْکُمْ : برشما است .

۲ - اَلْبِرِّ : نیکوکاری .

۳ - یَتَحَرّیٰ : فکر وکوشش می کند .

۴ - صِدِّیقًا : راستگوی .

توضیح معنی حدیث :

راستگوئی وراستکاری ازجملهٔ بهترین اخلاق و عادات نیک بوده که انسان بسبب آن در دنیا همواره باعزت وشرف بسرمیبرد ، و در دل های مردم دوستی ومحبت وی جاگزین میشود و نیز در آخرت مستحق اجر وثواب عظیم میگردد .

از همین جاست که در قرآن کریم واحادیث نبوی (ص) درین مورد تاکیدات زیادی بعمل آمده است .

هرگاه این موضوع را با دقت تمام مورد مطالعه قرار دهیم ، درمی یابیم که راستی ملاک و کلید تمام حسنات ، و دروغ بانی و محرک تمام سیئات است. چه درصورتیکه انسان تصمیم قاطع بگیرد که هرگز دروغ نمیگوید ، پس چنین شخص بانجام کار بد و نادرست نیز اقدام نخواهد کرد. زیرا او میداند که بعد از ارتکاب آن درصورتیکه مورد تحقیق و سوال قرار بگیرد البته بار استگوئی برعلاوه شرمساری در جامعه تن بمجازات جرم و گناه ارتکاب شده خواهد داد ، که این برایش خالی از ضرر نیست . درغیر آن جز دروغ گفتن راهی ندارد . پس تصمیم به راستگوئی انسانرا از ارتکاب همه بدی ها که عواقب ناگوار دارد ، باز میدارد . لذا بر ماست تا راستی و صداقت را شعار خود ساخته و هم در فامیل ، مدرسه ، محل کار و مجالس خصوصی و عمومی دیگران را نیز به آن تشویق نمائیم ، تا در نتیجه به قلب همه انسانهای نزدیک گردیده محبت و دوستی همه را کمائی کرده باشیم .

و از همین سبب است که حضرت نبی کریم صلی الله علیه وسلم با دامهٔ

حدیث فوق الذکر چنین میفرماید :

وَاِيَّاكُمْ وَالْكِذْبَ فَاِنَّ الْكِذْبَ يَهْدِي اِلَى الْفُجُورِ وَاِنَّ الْفُجُورَ يَهْدِي اِلَى النَّارِ ، وَمَا يَزَالُ الرَّجُلُ يَكْذِبُ وَيَتَحَرَّى الْكَذِبَ حَتّٰى يُكْتَبَ عِنْدَ اللّٰهِ كَذَّابًا .

ترجمه : بپرهیزید از دروغ گفتن ، زیرا دروغ گفتن سوق میدهد (انسانرا) بسوی فسق وفجور ، و هر آیینه فسق وفجور میکشاند (انسانرا) بآتش دوزخ وانسانیکه همیشه دروغگوئی را عادت خود ساخته و پی دروغ گفتن می گردد ، درعاقبت امر نزد خداوند تعالی (ج) ، بنام کذّاب یعنی دروغگوی مسمّی میگردد .

فوائد حدیث :

۱ - برهر مؤمن لازم است که خود را به راستگوئی عادت دهد .

۲ - راستگوئی انسان را بانجام کارهای نیک سوق میدهد وجای نیکوکار درجنت است .

۳ - شخص مؤمن که همیشه راست میگوید نزد الله (ج)، در زمرهٔ صدیقین حساب میشود .

۴ - شخص دروغگوی، فاسق و فاجر بار آمده ، مستحق عذاب و آتش دوزخ میگردد .

تمرین

۱ - راست گفتن چه فائده دارد ؟

۲ - اضرار وعواقب وخیم دروغ گفتن را بیان نمائید .

۳ - فوائد دینوی و اخروی راست گفتن را بیان نمائید .

عیادت مریض

عَنْ اَبِی هُرَیْرَةَ رَضِیَ اللهُ عَنْهُ قَالَ : قَالَ رَسُوْلُ اللهِ صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَسَلَّمَ :

اِنَّ اللهَ عَزَّ وَجَلَّ یَقُوْلُ یَوْمَ الْقِیَامَةِ : یَا ابْنَ آدَمَ ! مَرِضْتُ فَلَمْ تَعُدْنِیْ . قَالَ : یَا رَبِّ ! کَیْفَ اَعُوْدُکَ وَاَنْتَ رَبُّ الْعٰلَمِیْنَ . قَالَ : اَمَا عَلِمْتَ اَنَّ عَبْدِیْ فُلَانًا مَرِضَ فَلَمْ تَعُدْهُ ؛ اَمَا عَلِمْتَ اَنَّکَ لَوْ عُدْتَّهُ لَوَجَدْتَّنِیْ عِنْدَهُ . (رواه مسلم)

معنی بعضی کلمات :

۱ - عِیادت : بکسر عین ، بیمار پرسی را گویند ، و عیادت بضم عین نیز آمده مشتق از عَوْد بمعنی رجوع است که عائد نیز رجوع می کند بسوی بیمار .

معنی حدیث :

از ابو هریره رضی الله عنه روایت است که گفت : رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند :

خداوند عزوجل در روز قیامت میفرماید : ای فرزند آدم ! مریض شدم وبعیادت من نیامدی . (شخص مخاطب) عرض مینماید : ای پروردگار من ! من چطور عیادت کنم ترا درحالیکه تو رب العلمین هستی ؟ خداوند (ج) میگوید : آیا خبر نشدی که فلان بندهٔ من مریض بود وتو به پرسانش نرفتی ؟ آیا ندانستی که اگر تو به پرسان او میرفتی البته مرا نزدش می یافتی ؟

توضیح معنی حدیث :

از حدیث فوق الذکر معلوم میشود که پرسان مریض در اسلام امر ضروری دانسته شده ، حتی که خداوند (ج) ، در روز قیامت کسی راکه

باین اگر انسانی و اجتماعی بی اعتنائی کرده باشد ، مورد باز پرس وسرزنش قرار داده برایش میگوید من مریض بودم و به عیادت من نیامدی . یعنی بندهٔ مؤمن وحق شناس من در وقت مریضی که منتهای حالت عجز وبیچارگی وی بود بطرف من رجوع کرده و راز ونیاز اوبسوی من بود و ازمن طلب کمک میکرد . بناءً اگر تو به پرسان او میرفتی ، ازینکه او خود رابسوی من نزدیک ساخته بود ، پس درحقیقت مرا نزد او می یافتی .

آری ! دین مقدس اسلام در پهلوی تنظیم سائر مناسبات اجتماعی بین افراد یک جامعه ، این بخش زنده گی اجتماعی مردم را نیز نادیده نگرفته وهمه میدانیم که درعیادت مریض چه اسراری نهفته است . زیرا باعیادت مریض از یکطرف مریض روحاً تقویت میشود و از طرف دیگر هرگاه بین طرفین ویا فامیل های شان کدام خصومت ونزاعی موجود باشد درنتیجهٔ این عیادت ، از بین رفته وفضای مملو ازمحبت وصمیمیت ایجاد گردد .

لهذا عیادت مریض یکی از پایه های تحکیم (ارتباط) امور اجتماعی بوده و با پیروی
ازین هدایت ارزشمند پیغمبر اسلام (ص)، سعادت و خوشبختی دارین
نصیب انسان میگردد .

مفهوم حدیث فوق الذکر را عارف رومی چنین تنظیم کرده است:

آمد از حق نزد موسی این عتیب
که طلوع نور تو کردم ز جیب

مشرقت کردم بنور ایزدی
من حقم رنجور گشتم نامدی

گفت سبحانا که پاکی از زیان
این چه رمز است این بکن یارب عیان

باز فرمودش که من رنجوریم
چون نپرسیدی تو ازروی کرم

گفت یارب نیست نقصانی ترا
عقل گم شد این گره را بر گشا

گفت مارا بندهٔ خاص گزین
گشت رنجور او منم نیکو جبین

هست رنجوریش رنجوری من
هست معذوریش معذوری من

هر که خواهد کو نشیند با خدا
گو نشیند در حضور اولیاٌ

یک زمانه صحبت با اولیاٌ
بهتر از صد سال طاعت بی ریاء

فوائد حدیث :

۱ - پرسان مریض در دین مقدس اسلام امر ضروری دانسته شده است .

۲ - الله (ج)، در روز قیامت کسانی را که بیمار پرسی برادر مسلمان خود را نکرده باشند سرزنش میکند .

۳ - با مریض پرسی انسان مسلمان، خداوند (ج)، باندازهٔ از شخص مذکور خوش و راضی میگردد که گویا شخص عیادت کننده خداوند (ج) را در خانه مریض ملاقات کرده باشد .

تمرین

۱ – عیادت مریض چه فائده دارد و ترک آن چه نقصان دارد ؟

۲ – خداوند (ج)، در روز قیامت کسانیراکه از شخص مریض در اثر بی توجهی و یا قصداً عیادت نکرده باشند چه میگوید ؟

۳ – نتائج اجتماعی راکه از مفهوم حدیث فوق الذکر بدست می آید واضح سازید .

مقام و درجۂ شہید

عَنِ الْمِقْدَامِ بْنِ مَعْدِ يْكَرِبَ قَالَ : قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ :

لِلشَّهِيْدِ عِنْدَ اللّٰهِ سِتُّ خِصَالٍ ، يُغْفَرُلَهُ فِيْ أَوَّلِ دُفْعَةٍ وَّيُرٰى مَقْعَدُهُ مِنَ الْجَنَّةِ وَيُجَارُ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ ، وَيَأْمَنُ مِنَ الْفَزَعِ الْأَكْبَرِ ، وَيُوْضَعُ عَلٰى رَأْسِهٖ تَاجُ الْوَقَارِ اَلْيَاقُوْتَ مِنْهَا ، خَيْرٌ مِّنَ الدُّنْيَا وَمَا فِيْهَا ، وَيُزَوَّجُ ثِنْتَيْنِ وَسَبْعِيْنَ زَوْجَةً مِنَ الْحُوْرِ الْعِيْنِ ، وَيُشَفَّعُ فِيْ سَبْعِيْنَ مِنْ أَقْرَبَائِهٖ . (رواہ الترمذی و ابن ماجہ)

معنی بعضی کلمات :

۱ - خِصَالٍ : صفات

۲ - يُجَارُ : نگاه داشته میشود .

۳ - يَأْمَنُ : در امان باشد .

۴ - تَاجُ الْوِقَارِ : تاج عزت .

۵ - فَزَعُ : خوف وهیبت .

معنی حدیث :

از مقدام بن معدیکرب (رض) روایت است که گفت : رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند : که شهید نزد خداوند (ج) دارای شش صفات میباشد :

۱ - گناهان او در وهلهٔ اول بخشیده شده وجای او در بهشت نشانداده میشود .

از عذاب قبر در امان میماند .

۲ - از خوف وهیبت بزرگ یعنی خوف روز قیامت در امان خواهد بود .

۴ - برسروی تاج عزت وافتخار نهاده میشود ، که یک جوهر آن بهتر از دنیا

وآنچه در دنیا است میباشد.

۴ - به نکاح داده میشود اورا هفتاد و دو زن (از جنس زنان حورعین).

۵ - شفاعت او در مورد هفتاد نفر از اقربای وی قبول میشود (۱)

توضیح معنی حدیث :

در حدیث مبارک فوق الذکر برای آن نیکوکارانیکه در راه خدا (ج) و برای اعلای کلمة الله میجنگند و بالآخره جان شیرین خودرا از دست میدهند

---

(۱) ذکر چنین اعداد نزد جمهور علماء، چه در آیات متبرکه و چه هم در احادیث نبوی (ص)، برای حصر نبوده بلکه برای افادۀ کثرت و تأکید زیاد بودن ثواب آنست. چنانچه الله (ج) می فرماید :

مَثَلُ الَّذِينَ يُنفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُنبُلَةٍ مِّائَةُ حَبَّةٍ ۗ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَن يَشَاءُ ۗ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ.

ترجمه :

صفت آنانیکه خرج میکنند اموال خودرا در راه خدا، مانند صفت یکدانه است که برویاند هفت خوشه را، که در هر خوشه صددانه باشد. خداوند دوچند (زیاد) میدهد هرکه را خواهد، و خدا (ج) جواد دانا است.

مژده داده است که در برابر این قربانی بزرگ که شهادت و فدا کردن جان آنها بوده درجات بس عظیمی در روز قیامت با نتظار اوشان است، چنانچه در حدیث مذکور شش صفت آن تصریح شده است .

لذا درین حدیث مبارک برعلاوهٔ اینکه مقام ومنزلت شهید را بیان میکند ، مجاهدین فی سبیل الله را نیز روحاً تقویت مینماید تا دلیرانه با دشمنان اسلام جهاد نموده ودرین راه از مرگ هراس نداشته باشند. زیرا چنین مرگ درحقیقت حیات ابدی و زنده گی جاویدان است .

چنانچه الله تبارک وتعالیٰ میفرماید :

وَلَا تَقُوْلُوْا لِمَنْ يُّقْتَلُ فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ اَمْوَاتٌ ، بَلْ اَحْيَآءٌ وَّلٰكِنْ لَّا تَشْعُرُوْنَ .

ترجمه : ومگوئید کسی راکه کشته شود درراه خداکه ایشان مرده گانند، بلکه ایشان زنده اند اما شما آگاه نمیشوید .

فوائد حدیث :

۱ - خداوند ج، شفاعت شهید را در مورد هفتاد نفر از اقربایش قبول مینماید .

۲ - قبل از قبض روح جایگاه او در بهشت برایش نشان داده میشود .

۳ - از عذاب قبر در امان میباشد .

۴ - از خوف و هیبت روز قیامت در امان میباشد .

۵ - بر سروی تاج عزت و کرامت نهاده میشود که یاقوت آن از تمام دنیا و مافیها بهتر است .

تمرین

۱ - درجات وعده داده شده برای شهید چند وکدام اند ؟

۲ - شفاعت شهید در مورد کی و چند نفر مورد قبول است ؟

۳ - کلمات ذیل را ترجمه کنید :

۱- خِصَالِ .

۲- يُجَارُ .

۳ - يَأْمَنْ .

۴ - تَاجُ الْوِقَارِ .

۵ - حُورُ عِينٍ

۴ - حدیث شریف فوق الذکر را حفظ نمائید .

زیارت قبور

عَنْ اِبْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللّٰهُ عَنْهُ قَالَ : مَرَّ النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِقُبُورٍ بِالْمَدِيْنَةِ فَاَقْبَلَ عَلَيْهِمْ بِوَجْهِهِ فَقَالَ: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ الْقُبُورِ ! يَغْفِرُ اللّٰهُ لَنَا وَلَكُمْ اَنْتُمْ سَلَفُنَا وَنَحْنُ بِالْاَثَرِ . (رواه الترمذی وقال هذا حدیث حسن)

معنی حدیث :

از عبدالله بن عباس رضی الله عنه روایت است که گفت :

حضرت نبی کریم صلی الله علیه وسلم بر قبرهائی در مدینه گذر نمود، پس رو بروی آنها ایستاده فرمودند : سلام باشد بر شما ای صاحبان قبرها ، خداوند تعالی ما و شما را بیامرزد ، شما پیش گذشتگان ما هستید و ما در پی شما (میرسیم) .

همچنان از حضرت بریده رضی الله عنه روایت شده که گفت :

آنحضرت صلی الله علیه وسلم تعلیم میداد صحابهٔ کرام (رض) را وقتیکه بزیارت قبور می برآمدند ، اینکه : بگوئید ! سلام باشد بر شما ای اهل خانهٔ از مؤمنان ومسلمانان . هرآئینه ما هم ، اگر رضای خداوند (ج) باشد ، باشما پیوست شدنی هستیم . از خداوند (ج) برای خود وشما سوال سلامتی (از عذاب دنیا وآخرت) را مینمائیم . (۱)

وهمچنین از ابن مسعود رضی الله عنه روایت شده که :

هرآئینه رسول الله صلی الله علیه وسلم به صحابهٔ کرام (رض) فرمودند : شما را قبلا از زیارت قبرها منع کرده بودم ، پس زیارت آنرا بکنید ،

---

(۱) عَنْ بُرَيْدَةَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ قَالَ : كَانَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ : يُعَلِّمُهُمْ إِذَا خَرَجُوا إِلَى الْمَقَابِرِ ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الدِّيَارِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُسْلِمِينَ وَإِنَّا إِنْ شَاءَ اللهُ بِكُمْ لَاحِقُونَ ، نَسْأَلُ اللهَ لَنَا وَلَكُمُ الْعَافِيَةَ . (رواه مسلم) مشکوة

زیرا زیارت قبور سبب زهد وتقوی در دنیا و یادآوری از آخرت می گردد. (۱)

آداب زیارت قبور :

علماء گفته اند : چون شخصی قصد زیارت قبر کسی را نماید باید قبلاً دو رکعت نماز را اداء کرده ، درحق مرده دعا کند وهم ثواب نماز را برای مرده در قبر بخشد . در قبرستان پای پوش برداشته به قبر مرده روبرو در حالیکه پشت او بطرف قبله باشد ، ایستاده شود واین کلمات را بگوید :

اَلسَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا اَهْلَ الْقُبُورِ . يَغْفِرُ اللّٰهُ لَنَا وَلَكُمْ ، اَنْتُمْ سَلَفُنَا وَنَحْنُ بِالْاَثَرِ .

در هنگام دعاء رو به قبله ایستاده شود وبرای مرده دعای مغفرت کرده

---

(۱) عَنْ اِبْنِ مَسْعُوْدٍ رَضِيَ اللّٰهُ عَنْهُ : اَنَّ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ : كُنْتُ نَهَيْتُكُمْ عَنْ زِيَارَةِ الْقُبُورِ فَزُوْرُوْهَا ، فَاِنَّهَا تُزَهِّدُ فِي الدُّنْيَا وَتُذَكِّرُ الْآخِرَةَ . (رواه ابن ماجه) مشكوة

وهم برای خود آنچه مطلوب باشد ، از بارگاه ایزد متعال بخواهد. در قبرستان ذبح کردن ، شمع را روشن نمودن ، تنور را گرم نمودن ، تار بستن وغیره اعمالیکه در برخی از مناطق رواج دارد بکلی مخالف شرع بوده حرام میباشد .

فوائد حدیث گذشته :

از حدیث مبارک فوق الذکر رفتن حضرت رسول الله (ص)، به قبرستان وایستادن او (ص)، روبروی آنها و بعداً سلام گفتن براوشان و نیز دعا کردن رسول اکرم (ص)، بر سر قبرها ، برای اهل قبور و برای خودش ، ثابت میگردد .

تمرین

۱ - آیا جناب رسول الله صلی الله علیه وسلّم بزیارت قبرها رفته اند ویا چطور ؟

۲ - حضرت پیامبر خدا صلی الله علیه وسلّم هنگام زیارت قبور چه قسم ایستاده شدند وچه فرمودند ؟

۳ - حدود و اندازه عمل یک مسلمان راهنگام زیارت قبور براساس احادیث فوق الذکر طور مفصل بیان نمائید .

۴ - زیاده روی هائیکه امروز در بین یکعده مردم عوام ، بشکل رسم ورواج ویابشکل عقیده باطله درهنگام زیارت قبور رائج گردیده آنرا از دیدگاه اسلام وبراساس احادیث متبرکه فوق الذکر مفصلاً توضیح داده برای مردم تفهیم نمائید .

طرز سخن گفتن و برخورد با مردم

عَنْ أَنَسٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ : أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ :

كَانَ إِذَا تَكَلَّمَ بِكَلِمَةٍ أَعَادَهَا ثَلَاثًا حَتَّى تُفْهَمَ عَنْهُ، وَإِذَا أَتَى عَلَى قَوْمٍ فَسَلَّمَ عَلَيْهِمْ، سَلَّمَ عَلَيْهِمْ ثَلَاثًا.

(رواه البخاری)

معنی حدیث :

از حضرت انس رضی الله عنه روایت است که : هر وقتی که رسول الله صلی الله علیه وسلم سخن میگفتند کلمات مهم آنرا سه بار تکرار میکردند تا سخن شان فهمیده شود، و چون نزد گروهی می آمدند و بر آنها سلام ادا میکردند سه بار آنرا تکرار مینمودند.

شرح حدیث :

سخن گفتن در هر مقام از خود طریقهٔ خاصی دارد . انسان باید طوری سخن گوید تا کلام او در دل مردم جاگزین گردیده و سخن های او را طور صحیح و درست بفهمند ، مقصد اینکه بشنیدن سخنان او علاقه بگیرند کلمات گوینده باید عام فهم باشد تا شنونده به بسیار آسانی آنرا درک کرده بتواند ، و از تعرض زبانی خودداری نماید تا باعث آزردگی خاطر کس نگردد .

نزد مردم کم علم استعمال الفاظ و کلمات مشکل ، نتیجهٔ معکوس داشته تبلیغ و دعوت خود را بی نتیجه گردانیدن است .

حضرت انس رضی الله عنه راجع به سخنان رسول الله صلی الله علیه وسلم گفتند که : رویهٔ حضرت رسول اکرم صلی الله علیه وسلم چنین بود که وقتی بحرف زدن شروع میکردند ، هر جملهٔ خود را ۳ بار تکرار مینمودند ، تا

مردم سخن آنحضرت (ص) را طور صحیح بفهمند و بعداً تا جائیکه در توان وطاقت شان باشد بر آن عمل نمایند .

حضرت عائشهٔ صدیقه رضی الله عنها طرز وطریقهٔ سخن گفتن رسول الله صلی الله علیه وسلم را چنین بیان فرموده اند :

گفتار رسول الله صلی الله علیه وسلم ، گفتاری بود ، روشن ، طوریکه هر شنونده ـ آنرا می فهمید (۱) .

اینکه حضرت پیامبر اسلام (ص) ، در آغاز ورود بیک جماعتی ویا قومی سه بار سلام میدادند دلائل زیادی دارد :

چنانچه خطابی رحمة الله علیه میگوید : سه بار سلام دادن بخاطری

---

(۱) عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللهُ عَنْهَا قَالَتْ : كَانَ كَلَامُ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَلَامًا فَصْلًا يَفْهَمُهُ كُلُّ مَنْ يَسْمَعُهُ (رواه ابو داؤد)

بوده که مردم زیاد بوده اند .

لذا در اول ، وسط و آخر (جمعیت مردم) سه بار سلام داده اند تا سلام آنحضرت صلی الله علیه وسلم را همهٔ حضار طور درست درک کنند . و یا اینکه مراد از سه بار سلام دادن اینست که :
سلام بار اول برای اجازه خواستن دخول بمنزل شخصی ، و بار دوم برای تحیه وتعارف ، و بار سوم برای وداع است .

فوائد حدیث :

١ - انسان باید مطالب گفتنی خود را طور واضح وقابل فهم برای جانب مقابل القاء نماید ، گرچه این امر ایجاب تکرار را نیز نماید ، تا مخاطب آنرا درست بفهمد .

٢ - برای عالم ومعلم لازم است تا هنگام تبلیغ وتدریس مطابق به سویهٔ مخاطبین خود صحبت نماید .

۳ - در شروع تدریس (وارد شدن بمدرسه و صنف) وقبل از آغاز تبلیغ باید معلم و نیز مبلغ به حضار سلام بدهد .

تمرین

۱ ـ طرز تدریس معلم وتبلیغ مبلغ وعالم باید چطور باشد ؟
۲ ـ تکرار سلام چه وقت مستحسن است ؟
۳ ـ تکرار کلمات در حالت تدریس وتبلیغ چه فائده دارد ؟

بهترین اوصاف زن منکوحه

عَنْ اَبِیْ هُرَیْرَةَ رَضِیَ اللّٰهُ عَنْهُ قَالَ : قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَیْهِ وَسَلَّمَ :

تُنْكَحُ الْمَرْأَةُ لِاَرْبَعٍ ، لِمَالِهَا وَلِحَسَبِهَا وَلِجَمَالِهَا وَلِدِیْنِهَا فَاظْفَرْ بِذَاتِ الدِّیْنِ تَرِبَتْ یَدَاكَ . (متفق علیه)

معنی حدیث :

از ابو هریره رضی الله عنه روایت است که گفت : جناب رسول الله صلی الله علیه وسلم ارشاد فرمودند :

زن بخاطر چهار صفت بنکاح گرفته میشود : بخاطر مال و دارائی، مقام و منزلت فامیلی، حسن و بخاطر دینداریش .

پس در جستجو و انتخاب زن دیندار باش ، خاک آلود باد دستهایت .

شرح حدیث :

از حدیث فوق الذکر معلوم میشود که در انتخاب زن منکوحه چهار صفت ذیل از همه بیشتر قابل دقت است :

۱ — ثروت و دارائی زن ، تا در وقت ضرورت از آن استفاده بعمل آید . زیرا که زن مالدار هنگام ضرورت ، مال و دارائی خود را غالباً در اختیار شوهر قرار میدهد . و یا اینکه هنگام تنگدستی شوهر بر وی سخت نگرفته و گاهی دارائی شخصی خود را صرف ضروریات یومیه مینماید .

۲ — حسب و نسب زن (از خانواده شریف باشد) تا فرزندان شریف و نیکو و صاحبان علم و دانش را بجامعه تقدیم نماید . و هم در صورت داشتن نام و نسب خانوادگی از زندگی با شوهر در هر قسم شرایطی سازگاری نشان داده و از بسا اموریکه باعث سرافگندگی و پایمال شدن شهرت خانوادگی وی گردد احتراز مینماید .

۳ ـ حسن وجمال زن ، که داشتن این صفت خواهشات نفسانی شوهر را برآورده ساخته و باعث قناعت او و خودداری وی از داشتن نظر بر دیگران میگردد .

۴ ـ دینداری زن ، که از پر ارزش ترین صفات زن بوده و زن دیندار و باتقوی هیچوقت باعمال ناشایسته دست نمیزند ، باشوهر خود رفتار صادقانه داشته ، شرف وآبروی اورا در هرحال حفظ نموده ، مال ودارائی اورا باکمال امانت داری نگهداری کرده ، اولاد خودرا تربیهٔ درست نموده ودر امور زوجیت وخانوادگی همیشه ارشادات دینی را درنظر داشته باشد .

هرگاه این همه اوصاف دروقت انتخاب زنی بحیث منکوحه درنظر گرفته شود خوب وبهتر است . ولی از دیانت وتقوی چشم پوشی کردن وتنها بخاطر مال ودارائی ویا بخاطر داشتن حسن وزیبائی زنی راکه بامور دینی پابندی واعتنائی نداشته باشد بنکاح گرفتن ، کار مردان باتقوی

و شیوهٔ یک مسلمان کامل نیست .

از ینجاست که رسول الله صلی الله علیه وسلم برای مسلمانان هدایت وارشاد فرموده اند که : عنصر مهم در نکاح عبارت از دیانت وتقوی داریست .

تَرِبَتْ يَدَاكَ : در اصل معنی دعای بدست (بذلت و هلاکت) و در اینجا حقیقت آن مراد نیست ، بلکه مراد از ان برانگیختن برکاری است .

فوائد حدیث :

۱ – در وقت تصمیم بازدواج بازنی بایست چهار وصف عمده که عبارت از ثروت و مالداری ، حسب ونسب ، حسن وزیبائی ونیز دیانت زن است درنظر گرفته شود .

۲ – از جملهٔ چهار وصف مذکور دیانت وتقوای زن مقام اولیت دارد .

تمرین

۱ - منکوحه باید چگونه اوصاف داشته باشد ؟

۲ - در صفات منکوحه کدام یکی را باید حق اولیت داد ؟

۳ - چرا داشتن دارائی و نیز نام و نسب در نکاح زن پر ارزش دانسته شده ؟

عاقل در نظر اسلام کیست ؟

عَنْ شَدَّادِ بنِ أَوسٍ رَضِیَ اللّٰهُ عَنْهُ قَالَ : قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَسَلَّمَ :

اَلْکَیِّسُ مَنْ دَانَ نَفْسَهُ وَعَمِلَ لِمَا بَعْدَ الْمَوْتِ ، وَالْعَاجِزُ مَنْ أَتْبَعَ نَفْسَهُ هَوَاهُ وَتَمَنَّی عَلَی اللّٰهِ .

(رواه الترمذی)

معنی بعضی کلمات :

۱ ـ اَلْکَیِّسُ : شخص دانا ، عاقل .

۲ ـ دَانَ : کنترول کرد ، درقبضه و اختیار آورد .

۳ ـ اَلْعَاجِزُ : نادان ، جاهل .

۴ ـ هَوَاهُ : خواهشات نفسانی خود را .

۵ ـ تَمَنَّی : آرزو ، امید .

معنی حدیث :

از حضرت شداد بن أوس رضی الله عنه روایت است که گفت :
رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند : شخص عاقل کسی است که نفس خودرا (همیشه) درکنترول داشته برای زندگی بعد از مرگ آماده گی گیرد . و نادان کسی است که تابع میگرداند نفس خودرا برای خواهشات نفسانی خود ، و (باز هم) امیدوار خوشی باشد از خدا (ج).

توضیح معنی حدیث :

حضرت رسول اکرم (ص) ، درین حدیث مبارک معیار اصلی یک انسان هوشیار و ذکی و نیز نشانه های انسان نادان را درجملات خیلی موجز ارشاد فرموده اند :

واقعاً انسان ذکی و دانا کسی است که نفس خودرا درکنترول و اداره خود داشته و مانع سرکشی و طغیان آن گردد . زیرا همه میدانیم

که منشاء اصلی تمامی فتنه ها و فساد ها همانا عصیان و بدکاری و لجام گسیختگی نفس سرکش انسان ها است .

پیروی از خواهشات نفسانی بر علاوه اینکه انسان را در دنیا خوار و ذلیل میسازد . آخرت او را نیز خراب نموده موجب عذاب خداوندی می گردد .
لذا انسان خوشبخت کسی است که اولتر از همه از خود شروع کرده خویشتن را اصلاح سازد ، تا هم در دنیا زندگی آبرومند و با وقار داشته و هم برای حیات جاودانی خود اجر و ثوابی کمائی کرده باشد .

بالعکس شخصیکه از خواهشات نفسانی خود پیروی مینماید شخص نادان و عاقبت نیاندیش بوده که نه برای خود و نه برای دیگران ، برای هیچکس چیزی را از پیش برده نمیتواند . و یکی از علائم برجستهٔ نادانی این اشخاص اینست که باوصف ارتکاب اعمال ناشایسته و زشت بامید نجات از عذاب خداوندی نیز میباشند .

فوائد حدیث :

۱ - اشخاص عاقل وفهمیده نفس خود را همیشه درکنترول داشته و از سرکشی آن جلوگیری مینمایند .

۲ - اشخاص دانا و عاقل برای کسب سعادت اخروی همیشه بانجام اعمال صالحه مبادرت می ورزند .

۳ - شخصیکه تابع خواهشات نفسانی خود گردد نادان وجاهل است .

۴ - انسان باید وسعت رحمت الهی را تعبیر غلط ومطابق دلخواه خود نکرده آرزو وامیدواری بیجا نداشته باشد .

تمرین

۱ - شخص عاقل و دانا کیست ؟

۲ - نادان و جاهل عبارت از کدام شخص است ؟

۳ - کدام شخص آرزو و توقع بیجا میکند ؟

۴ - هرگاه انسان تابع خواهشات نفسانی خود باشد علاوه بر خسران اخروی در دنیا چه عواقب ناگوار را انتظار باید داشته باشد ؟

امیر عادل و امیر ظالم

عَنْ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ رَضِيَ اللّٰهُ عَنْهُ قَالَ : قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ :
اِنَّ أَفْضَلَ عِبَادِ اللّٰهِ عِنْدَ اللّٰهِ مَنْزِلَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ اِمَامٌ عَادِلٌ رَفِيقٌ ، وَاِنَّ شَرَّ النَّاسِ عِنْدَ اللّٰهِ مَنْزِلَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ اِمَامٌ جَائِرٌ خَرِقٌ .

(رواه البيهقى فى شعب الايمان)

معنی بعضی کلمات :

١ ـ اَفْضَلَ ، فاضل تر ـ بهتر .
٢ ـ مَنْزِلَةً : از روی قدر و رتبه .
٣ ـ اِمَامٌ : پیشوا ، پادشاه ، سلطان .

۴ - عَادِلٌ : صاحب عدل و انصاف ، عدالت کننده .

۵ - رَقِيقٌ : نرم دل .

۶ - شَرَّ النَّاسِ : بدترین مردم .

۷ - جَائِرٌ : ظالم ، جور کننده .

۸ - خَرِقٌ : سخت دل ، بدخوی ، زشت .

معنی حدیث :

از حضرت عمر بن الخطاب رضی الله عنه روایت است که گفت :

رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند : بدرستی که بهترین بندگان خداوند (ج) از حیث مقام ، نزد خداوند (ج) در روز قیامت زمام دار عادل و نرم دل است ، و هر آینه بد ترین مردم نزد خداوند (ج) ، در مقام و منزلت ، بروز قیامت پادشاه و اولوالامر ظالم و بد خوی است

توضیح حدیث :

از حدیث مبارک گذشته معلوم میشود که بهترین و برترین بندگان از روی مقام و منزلت نزد خداوند (ج)، در روز قیامت زمامدار عادل ونرم دل میباشد و بالعکس بدترین وزشت ترین مردم از حیث مقام ومنزلت نزد خدا (ج)، در روز قیامت آن کسانی خواهند بود که با وجود داشتن عهده زمامداری قوم ، بدخوی ، ظالم وسخت دل باشند .

همچنان از ابوسعید رضی الله عنه روایت است که گفت : جناب رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند [1] :

هرآینه محبوب ترین ونزدیک ترین مردم نزد خداوند (ج)، در روز قیامت

---

(۱) وَعَنْ أَبِي سَعِيدٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ قَالَ : قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ : إِنَّ أَحَبَّ النَّاسِ إِلَى اللهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَأَقْرَبَهُمْ مِنْهُ مَجْلِساً ، إِمَامٌ عَادِلٌ ، وإن أبغض النَّاسِ إِلَى اللهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَأَشَدَّهُمْ عَذَاباً - وَفِي رِوَايَةٍ وَ أَبْعَدَهُمْ مِنْهُ مَجْلِساً ، إِمَامٌ جَائِرٌ .

(رواه الترمذی وابوداود وابن ماجه)

از حیث مقام و منزلت و جایگاه ، زمامدار عادل ، و مبغوض ترین اوشان نزد او تعالی و سخت ترین آنها از روی عذاب در روز قیامت ، و در روایتی دورترین مردم از خداوند (ج) از حیث جایگاه ، زمامدار ظالم است .

فوائد حدیث :

۱ ـ بهترین بندگان کسی است که نزد خداوند (ج) محبوب باشد .

۲ ـ نزد خداوند (ج) ، در روز قیامت نزدیکترین بندگان امیر عادل و نرم دل ، و بدترین و دورترین اوشان زمامدار ظالم خواهد بود ،

تمرین

۱ – نزد خداوند (ج) در روز قیامت چه کسانی از حیث مقام و منزلت نزدیک خواهند بود ؟

۲ – چه کسانی روز قیامت از حیث مقام و مرتبه نزد خداوند (ج) ذلیل و حقیر خواهند بود ؟

عفو و بخشش

عَنْ ابنِ مَسعُودٍ رَضِيَ اللهُ عَنهُ قَالَ : كَأَنِّي أَنظُرُ
إِلىٰ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيهِ وَسَلَّمَ :
يَحكِي نَبِيّاً مِنَ الأَنبِيَاءِ صَلَوَاتُ اللهِ وَسَلَامُهُ عَلَيهِم
ضَرَبَهُ قَومُهُ ، فَأَدمُوهُ ، وَهُوَ يَمسَحُ الدَّمَ عَن
وَجهِهِ وَيَقُولُ : اَللّٰهُمَّ اغفِر لِقَومِي فَإِنَّهُم لَا يَعلَمُونَ

(متفق علیه)

معنی بعضی کلمات :

١ - ضَرَبَهُ قَومُهُ : اورا قومش زد

٢ - يَحكِي نَبِيّاً : - حکایت از پیامبری میکرد .

٣ - فَأَدمُوهُ : پس خون آلود ساختند اورا .

٤ - يَمسَحُ : پاک میکرد

۵ـ عَنْ وَجْهِهٖ : از روی خود .

معنی حدیث :

از ابن مسعود (رض) روایت است که گفت : مثلیکه من (اکنون) بسوی رسول الله صلی الله علیه وسلم می بینم در حالیکه ایشان در باره پیغمبری از پیغمبران علیهم السلام قصه مینمایند که قومش او را زده وخون آلود ساختند واو در حالیکه خون را از رویش پاک میکرد چنین میگفت : ای خداوندا ! قوم مرا بیامرز ، زیرا ایشان نمیدانند .

توضیح معنی حدیث :

در حدیث مبارک فوق الذکر حضرت نبی کریم صلی الله علیه وسلم حال یکی از پیامبران سابقه را برای اصحاب خود حکایت نمودند وآن چنین بود که : آن پیامبر برای قوم خود راجع بو حدانیت خداوند (ج) واحکام آسمانی وعظ ونصیحت میکردند ، ولی چون قوم او نادان وجاهل بودند

نصیحت وی را قبول نکرده وبمقابله برخاستند ، وبحدی او را لت وکوب نمودند که از بدن مبارک شان خون جاری گردید ، ولی آن پیامبر با وصف اینهم ، در حالیکه خون را از روی خویش پاک میکرد ، دعاء کنان میگفت: خداوندا ! قوم مرا ببخشای ، زیرا که ایشان از روی نادانی مرا تکلیف وآزار دادند .

این حدیث مبارک برای ما درس صبر ، استقامت ، عفو وبخشش را درمقابل اشخاص نادان وجاهل میدهد . چنانچه آن پیامبر بزرگوار در برابر ظلم وتجاوز قومش از صبر واستقامت کار گرفت ، وبعوض دعای بد وانتقام ، از خداوند (ج) برای قوم متعرض خود طلب مغفرت نمود .

انسان باید همیشه عفو وبخشش را شعار خود ساخته و در برابر رویه وسلوک زشت اشخاص جاهل از صبر وبرد باری کار گرفته زود رنج وبی حوصله

نباشد ، گرچه قدرت انتقام گرفتن را نیز دارا باشد . زیرا درمقابلهٔ بالمثل برعلاوهٔ اینکه انسان از ثواب اخروی محروم میشود ، در دنیا نیز موجب ایجاد تشنج وکشیدگی های زیاد وحتی قتل وقتال میگردد که بهیچ صورت بنفع فرد وجامعه نمیباشد .

هرگاه ظالم دشمنی باشد که درمقابل مسلمانان ایستادگی کرده وبخواهد دین اسلام راتضعیف ویا وطن مسلمانان رابظلم بگیرد ویاآزادی ایشان راسلب نماید ، عفو چنین دشمن ظالم جائز نبوده بلکه برهمهٔ مسلمانان لازم است تا درمقابل وی جهاد و از شروی خودرا در امن ساخته وهم مسلمانان را ازظلم وی نجات دهند ، تا قرآن کریم را درآن ویار حاکم گردانیده وشریعت محمدی (ص) راجاری نگهدارند .

فوائد حدیث :

۱ – در مقابل ظلم ظالم، صبر و استقامت نمودن و او را عفو کردن امری است بهتر .

۲ – در مقابل ظلم ظالم دعای بد نباید کرد . بلکه دعای هدایت براه راست در حق وی باید نمود .

۳ – پیامبران (ع) بغرض اعلای کلمة الله تکالیف زیادی را متحمل گردیده اند وما هم باید به پیروی از آنها این عمل را شعار خویش قرار دهیم .

۴ – شیرینی ایکه در عفو است در انتقام نیست .

تمرین

۱ - حضرت محمد (ص) برای صحابهٔ کرام (رض) چگونه حکایتی را بیان نمودند ؟

۲ - درمقابل ظلم اشخاص چه روشی را باید اختیار کرد ؟

۳ - چه نوع ظلم اشخاص قابل عفو است ؟ هرگاه شخصی آگاهانه وبا وجود داشتن علم و دانش بالای دیگران همیشه ظالم گردیده و همه افراد باین عقیده ونتیجه برسند که عفوکردن بیشتر باعث جرأت وی بدوام ظلم میگردد ، آیا بازهم میتوان در برابر وی از حوصله مندی کارگرفت ؟ جواب را مدلل وقانع کننده بیان نمائید .

حقوق فقراء و مساکین

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ قَالَ : قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ :
اَلسَّاعِي عَلَى الْأَرْمَلَةِ وَالْمِسْكِيْنِ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيْلِ اللهِ وَأَحْسَبُهُ قَالَ : وَكَالْقَائِمِ الَّذِي لَا يَفْتُرُ، وَكَالصَّائِمِ الَّذِي لَا يُفْطِرُ . (متفق علیه)

معنی بعضی کلمات :

۱ ـ اَلسَّاعِي : تلاش کننده ، کوشش کننده

۲ ـ أَرْمَلَةِ : زن بیوه .

۳ ـ لَا يَفْتُرُ : مانده نمیشود ، احساس کسالت نمیکند .

۴ ـ لَا يُفْطِرُ : افطار نمی کند .

معنی حدیث :

از ابو هریرة رضی الله عنه روایت است که گفت : رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند :

کسیکه در راه تأمین معشیت بیوه زن ومسکین سعی بلیغ نماید مانند مجاهد راه خدا (ج) است ، وگمان میکنم که رسول الله (ص) گفتند : مانند نماز گذاریست که سست وماند نمیشود ، و مانند روزه داریست که افطار نمیکند (همیشه روزه دار میباشد) .

توضیح معنی حدیث :

از حدیث مبارک فوق الذکر برمی آید که : کسانیکه در رفع ضرورت زندگی بیوه زن ویا مسکینی کوشش وتلاش کرده ومسائل ضروری ازقبیل خوراک وپوشاک ودیگر ضروریات شان را ازراه مشروع تأمین و رفع نماید ، مانند کسی است که در راه خداوند (ج) ، جهاد می کند ویا مانند

شخصیت که تمام شب را بحضور خداوند (ج) ایستاده (و نماز گذارد) بدون آنکه احساس خستگی و یا ماندگی نماید، و یا هم مانند آن روزه داری است که بطور مسلسل روزه بگیرد بدون آنکه افطار نماید. و شکی نیست که ثواب اینگونه اشخاص خیلی زیاد است.

لذا بر ماست تا از احوال مساکین و بیوه زنان و دیگر محتاجین همه وقته باخبر باشیم و احتیاج آنها را در حدود توان و قدرت رفع نموده تا مستحق ثواب و رضامندی خداوند بزرگ گردیم.

فوائد حدیث:

۱ــ مهیا کردن وسائل زندگی بیوه زنها و مساکین اجر عظیم دارد.

۲ــ کسیکه در راه تأمین معشیت محتاجان و مساکین سعی و تلاش بیشتر مینماید مانند مجاهدیست که در راه خدا (ج) جهاد میکند و یا مانند نماز گذار و روزه دار دائمی است که از نماز و روزهٔ خود خسته و مانده نمیشود.

تمرین

۱ - با اشخاص مسکین و زنان بیوه چه کمکی را انجام باید داد ؟

۲ - کسانیکه وسائل زندگی بیوه زنان ، محتاجان و مساکین را فراهم مینمایند مستحق چه نوع اجر و ثواب میگردند ؟

۳ - هرگاه شخصی پولیراکه از راه حرام و غیر مشروع بدست آورده ، در راه تأمین معشیت بیوه زنی ویا مسکینی خرچ و یا آنرا بمحتاجین بخشش نماید آیا مستحق ثوابی نزد خداوند (ج) میگردد ؟ مخصوصاً درصورتیکه از ارتکاب اعمال گذشتهٔ خود تائب نباشد ؟

حقوق یتیم

عَنْ سَهْلِ بنِ سَعدٍ رَضِیَ اللهُ عَنْهُ قَالَ : قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ :

اَنَا وَكَافِلُ الْيَتِيمِ لَهُ وَلِغَيْرِهِ فِي الْجَنَّةِ هٰكَذَا، وَأَشَارَ بِالسَّبَّابَةِ وَالْوُسْطٰى ، وَفَرَّجَ بَيْنَهُمَا شَيْئًا .

(رواه البخاری)

معنی بعضی کلمات :

۱ - اَلْيَتِيمُ : عبارت از آن طفلی است که بالغ نبوده و پدرش مرده باشد.

۲ - كَافِلُ الْيَتِيمِ لَهُ : سرپرست یتیم که از خود و قریبش باشد .

۳ - وَلِغَيْرِهِ : یا سرپرست یتیم غیر .

معنی حدیث :

از سهل بن سعد رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله

علیه وسلم فرمودند : من و سرپرست یتیم ، برابر است که یتیم از خویشاوندان سرپرست باشد یا بیگانه ، در بهشت اینگونه میباشیم : راوی میگوید : آنحضرت صلی الله علیه وسلم با انگشتان سبابه و میانه اش اشاره نموده و هردو را کمی از هم فاصله داد .

توضیح معنی حدیث :

چون دین مقدس اسلام در پهلوی سائر اوصاف برجستهٔ دیگر ، دین تراحم ، محبت ، دوستی ، دستگیری از فقراء و مساکین است ، لذا تعالیم جهان شمول و ارزندهٔ آن سرپرستی وشفقت بر یتیمان را نیز مورد تاکید مزید قرار داده ، شخص مسلمانی راکه بر یتیم ترحم نموده و وی را نوازش ، و در سرپرستی وتعلیم و تربیهٔ او کوتاهی نمیکند ، مستحق اجر عظیم دانسته ، چنانچه درین حدیث مبارک بآن اشاره شده است .

همچنان در مورد حفظ حقوق یتیم و طرز برخورد با وی آیات متبرکهٔ

زیادی در قرآن عظیم الشان نازل گردیده (۱) چنانچه می فرماید :

فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ ... سوره الضحی آیه ۹

ترجمه : اما یتیم را پس ستم مکن بر آن

وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ سوره الانعام ۱۵۲ و الاسراء ۳۴

ترجمه : ونزدیک مشوید به مال یتیم مگر بخصلتی که وی نیک است تا آنکه رسد بجوانی خود .

آیات متبرکه که در مورد اهتمام بحال یتیم نازل گردیده تمامی ساحات زندگی او را از تربیت بدنی وجسمی گرفته تا وارسی از اموال و دارائی یتیم ، که باید باصداقت و امانت داری هرچه تمامتر صورت بگیرد ، احتوا میکند . و این میرساند که همهٔ ما باید متوجه حال یتیمان بوده وعلاوه براینکه بامور تربیهٔ سالم شان سعی بلیغ بخرچ دهیم ، ازمصرف مال شان بدون ضرورت زیاد و یا بطریق نامشروع نیز باید اجتناب نمائیم . زیرا خوردن مال یتیم را خداوند (ج)، به خوردن آتش تشبیه نموده است : إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَىٰ ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا ۖ وَسَيَصْلَوْنَ سَعِيرًا

ترجمه : براینه آنانکه میخورند اموال یتیمان را به ظلم جز این نیست که میخورند در شکم خویش آتش را و درآیند بدوزخ .

---

(۱) كَلَّا ۖ بَل لَّا تُكْرِمُونَ الْيَتِيمَ ﴿١٧﴾ وَلَا تَحَاضُّونَ عَلَىٰ طَعَامِ الْمِسْكِينِ سوره الفجر آیه ۱۷ ←



پاورقی

۲ - اَرَاَیْتَ الَّذِیْ یُکَذِّبُ بِالدِّیْنِ. فَذٰلِکَ الَّذِیْ یَدُعُّ الْیَتِیْمَ. سورۃ الماعون

۳ - وَیُطْعِمُوْنَ الطَّعَامَ عَلٰی حُبِّهٖ مِسْکِیْنًا وَّیَتِیْمًا وَّاَسِیْرًا. سورۃ الدہر آیۃ ۸

۴ - لَا تَعْبُدُوْنَ اِلَّا اللّٰهَ وَبِالْوَالِدَیْنِ اِحْسَانًا وَّذِی الْقُرْبٰی وَالْیَتٰمٰی وَالْمَسٰکِیْنِ وَقُوْلُوْا لِلنَّاسِ حُسْنًا. سورۃ البقرۃ ۸۳

۵ - اَوْ اِطْعَامٌ فِیْ یَوْمٍ ذِیْ مَسْغَبَةٍ. یَتِیْمًا ذَا مَقْرَبَةٍ... سورۃ البلد ۱۵

۶ - وَاٰتَی الْمَالَ عَلٰی حُبِّهٖ ذَوِی الْقُرْبٰی وَالْیَتٰمٰی ... سورۃ البقرۃ ۱۷۷

۷ - اَلَمْ یَجِدْکَ یَتِیْمًا فَاٰوٰی. وَوَجَدَکَ ضَآلًّا فَهَدٰی. وَوَجَدَکَ عَآئِلًا فَاَغْنٰی. فَاَمَّا الْیَتِیْمَ فَلَا تَقْهَرْ. سورۃ الضحیٰ

۸ - وَاٰتُوا الْیَتٰمٰی اَمْوَالَهُمْ وَلَا تَتَبَدَّلُوا الْخَبِیْثَ بِالطَّیِّبِ. سورۃ الانعام ۱۵۲

۹ - وَاَمَّا الْجِدَارُ فَكَانَ لِغُلٰمَيْنِ يَتِيْمَيْنِ ... سورۃ الکہف ۸۲

۱۰ - وَلَا تَقْرَبُوْا مَالَ الْيَتِيْمِ اِلَّا بِالَّتِيْ هِيَ اَحْسَنُ ... سورۃ الاسراء ۳۴

۱۱ - قُلْ مَآ اَنْفَقْتُمْ مِّنْ خَيْرٍ فَلِلْوَالِدَيْنِ وَالْاَقْرَبِيْنَ وَالْيَتٰمٰى ...

سورۃ البقرۃ ۲۱۵

۱۲ - وَيَسْـَٔلُوْنَكَ عَنِ الْيَتٰمٰى ، قُلْ اِصْلَاحٌ لَّهُمْ خَيْرٌ ... " " ۲۲۰

۱۳ - وَاِنْ خِفْتُمْ اَلَّا تُقْسِطُوْا فِي الْيَتٰمٰى فَانْكِحُوْا ... سورۃ النساء ۳

۱۴ - وَابْتَلُوا الْيَتٰمٰى حَتّٰى اِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ ... " " ۶

۱۵ - وَاِذَا حَضَرَ الْقِسْمَةَ اُولُوا الْقُرْبٰى وَالْيَتٰمٰى ... " " ۸

۱۶ - اِنَّ الَّذِيْنَ يَاْكُلُوْنَ اَمْوَالَ الْيَتٰمٰى ظُلْمًا اِنَّمَا يَاْكُلُوْنَ فِيْ بُطُوْنِهِمْ نَارًا . سورۃ النساء ۱۰

۱۷ - وَبِالْوَالِدَيْنِ اِحْسَانًا وَّبِذِي الْقُرْبٰى وَالْيَتٰمٰى وَالْمَسٰكِيْنِ

سورۃ النساء ۳۶

۱۸ - قُلِ اللّٰهُ يُفْتِيكُمْ فِيهِنَّ وَمَا يُتْلٰى عَلَيْكُمْ فِى الْكِتَابِ فِى يَتٰمَى النِّسَآءِ ... سورۃ النساء ۱۲۷

۱۹ - وَاَنْ تَقُوْمُوْا لِلْيَتٰمٰى بِالْقِسْطِ ... سورۃ النساء ۱۲۷

۲۰ - فَاَنَّ لِلّٰهِ خُمُسَهٗ وَلِلرَّسُوْلِ وَلِذِى الْقُرْبٰى وَالْيَتٰمٰى ..

سورۃ الانفال ۴۱

۲۱ - فَلِلّٰهِ وَلِلرَّسُوْلِ وَلِذِى الْقُرْبٰى وَالْيَتٰمٰى .. سورۃ الحشر ۷

فوائد حدیث :

۱ - از فضل و کرم خداوند تبارک و تعالی است که در برابر عمل کم برای مسلمانان اجر و ثواب زیاد داده میشود .

۲ - یتیمان اگر از جملهٔ خویشاوندان باشند یا از بیگانگان ، سرپرستی آنها بر مسلمانان لازم است .

۳ - کسیکه از یتیمان سرپرستی و به ایشان کمک میکند ، در روز قیامت باحضرت محمد (ص) ، در مقام و منزلت نزدیک قرار خواهد گرفت .

تمرین

۱ - یتیم کیست وسرپرستی او برکدام شخص لازم وضروری است ؟

۲ - سرپرست یتیم در روز قیامت چه مقام ومرتبه ای داشته میباشد ؟

۳ - درمورد یتیم چند آیت از قرآن عظیم الشأن ونیزحدیث فوق الذکررا حفظ نمائید .

حقوق شوهر بر زن

عَنْ اَنَسٍ رَضِیَ اللّٰہُ عَنْهُ قَالَ : قَالَ رَسُوْلُ اللّٰہِ صَلَّی اللّٰہُ عَلَیْهِ وَسَلَّمَ :

اَلْمَرْأَةُ إِذَا صَلَّتْ خَمْسَهَا وَصَامَتْ شَهْرَهَا وَاَحْسَنَتْ فَرْجَهَا وَاَطَاعَتْ بَعْلَهَا فَلْتَدْخُلْ مِنْ اَيِّ اَبْوَابِ الْجَنَّةِ شَاءَتْ . (رواه ابو نعیم فی الحلیة ، مشکوٰة ۲۸۱)

معنی حدیث :

از حضرت انس رضی الله عنه روایت است که گفت : رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند : وقتی که زن اداء نماید نماز پنجگانه را ، و روزه بگیرد ماه رمضان را و نگهدارد عفت خود را (شرمگاه خود را) و اطاعت کند شوهر خود را ، پس از هر دری که خواسته باشد (میتواند) به بهشت داخل شود .

توضیح معنی حدیث :

زن در پهلوی اینکه باید باوصاف دینی از قبیل ادای نماز پنجگانه بوقت وزمان معین آن ، روزه گرفتن ماه مبارک رمضان و رعایت عفت و پاکدامنی متصف باشد ، لازم است از اوامر شوهر خود نیز اطاعت وفرمانبرداری نموده وی را راضی نگهدارد .

حقوق شوهر برزن در احادیث دیگری نیز مورد تأکید فراوان قرار گرفته چنانچه ازحضرت ابوهریره (رض) روایت است که گفت : برای آنحضرت صلی الله علیه وسلم گفته شدکه کدام یکی اززنها بهتراست ؟ آنحضرت (ص) درجواب فرمودند : زنیکه بادیدن وی شوهر خوش شود ، وچون اورابکاری امرنماید اطاعت کند ، ودرنفس ومالش کاری نکندکه مخالف رضایت شوهرش باشد (١) .

اطاعت از امرشوهر برای زن اجر وثواب دارد ، ازین سبب است که رسول اکرم (ص)

---

(١) عَنْ اَبِیْ هُرَیْرَةَ رَضِیَ اللّٰهُ عَنْهُ قَالَ ، قِیْلَ لِرَسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَسَلَّمَ : اَیُّ النِّسَاۤءِ خَیْرٌ ؟ قَالَ الَّتِیْ تَسُرُّهُ اِذَا نَظَرَ ، وَتُطِیْعُهُ اِذَا اَمَرَ وَلَا تُخَالِفُهُ فِیْ نَفْسِهَا وَلَا مَالِهَا بِمَا یَکْرَهُ . (رواه النسائی) مشکوة ٢٨٣

میفرماید که چنین زن مطیع و فرمانبردار که هم او امر الهی و فرایض دینی خودرا بوجه احسن واکمل بجامی آورد ، وهم در وظایف اخلاقی و پاکدامنی خودکوتاهی نمیکند ، ودر پهلوی این همه شوهرش را نیز راضی وخوش نگهمیدارد . اینچنین زن به آسانی داخل جنت میگردد .

ونیز از حضرت بی بی عایشه رضی الله عنها روایت است که گفت : آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمودند :

هرگاه کسی را امرمیکردم تا انسانی راسجده کند ، هرآینه زن را به سجده کردن برای شوهرش امر مینمودم .

ولی این همه باین مفهوم نیست که زن برشوهرش حقوقی ندارد ، بلکه بالعکس زن را نیز برشوهر حقوق زیادی است که درمبحث خاص آن بیان گردیده است .

فوائد حدیث :

زن عفیف ، دیندار و پابند اوامر الهی که در عین حال مطیع اوامر شوهرش نیز باشد ، به لطف خداوند (ج) ، داخل جنت میگردد .

تمرین

۱ - از جملهٔ زنان مسلمان کدام یکی بهتر است ؟

۲ - در مورد حقوق شوهر بر زن مطالبی را بیان نمائید .

۳ - هرگاه زنی از اوامر شوهرش همیشه اطاعت نموده ولی در برابر امور دینی بی اعتنا باشد ، بازهم زن خوب گفته میشود ؟

۴ - نظر به حدیث فوق الذکر مطیع بودن به شوهر در کدام مرتبه قرار دارد ؟

تاجر صادق

عَنْ اَبِیْ سَعِیْدِ الْخُدْرِیْ رَضِیَ اللهُ عَنْهُ قَالَ : قَالَ رَسُوْلُ اللهِ صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَسَلَّمَ :

اَلتَّاجِرُ الصَّدُوْقُ الْاَمِیْنُ مَعَ النَّبِیِّیْنَ وَالصِّدِّیْقِیْنَ وَالشُّهَدَآءِ

(رواه الترمذی) مشکوٰة ۲۴۳

معنی بعضی کلمات :

۱ ـ اَلتَّاجِرُ : تاجر شخصی است که به پیشه خرید و فروش اشتغال دارد .

۲ ـ اَلصَّدُوْقُ : صیغه مبالغه بوده بمعنی بسیار راست گوینده است .

۳ ـ اَلشُّهَدَاءِ : کسانی اند که درراه خدا (ج) جان داده باشند .

معنی حدیث :

۱ ـ از حضرت ابی سعید خدری رضی الله عنه روایت است که گفت :

رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند : تاجری که (درمعامله) خیلی صادق

و امانت کار باشد (روز قیامت) با انبیاء (علیهم السلام)، صدیقین و شهداء خواهد بود .

(این حدیث را ترمذی روایت کرده است)

توضیح معنی حدیث :

دین مقدس اسلام برعلاوهٔ تنظیم سائر امور اقتصادی ، به پیشهٔ تجارت ، که رکن مهم و اساسی معاملات اقتصادی را تشکیل میدهد ، نیز ارزش زیادی داده ، رعایت صدق و امانت داری و اجتناب از غش و خیانت را در آن امر حتمی و ضروری پنداشته است .

زیرا چون اکثر مناسبات بین افراد بر تجارت و معاملات خرید و فروش استوار است ، کذب و خیانت در آن فرد فرد جامعه را متضرر ساخته اعتبار میان افراد جامعه را ضعیف گردانیده و عدم توازن اقتصادی بین افراد یک جامعه را بار می آورد . با این معنی که عده ای در نتیجهٔ دروغگوئی

وخیانت طور ناحق پولدار ، وعدهٔ دیگری نادار و نادارتر میشوند ، گرچه واقعاً در معاملات تجارتی چنین اشخاص غلط و دروغگوی در همین دنیا نیز چندان برکتی نمیباشد ولی در آخرت نیز موجب عذاب دردناک الهی میگردند ، زیرا عمل اشخاص مذکور در جامعه بشری و اقتصاد جهانی بی ثباتی شدید را رونما میسازد که در عاقبت امر بنفع هیچکس تمام نمیشود . لذا ، تجارت گرچه درظاهر امر عملی است مباح ، ولی هرگاه در آن از صداقت و امانت داری کار گرفته شود ، بعبادت مبدل میگردد . واز همین سبب است که چنین اشخاص در روز قیامت دارای مقام ارجمند بوده ، قرین انبیاء ، صدیقین وشهداء جا خواهند داشت .

مراد از صدیقین در حدیث شریف فوق الذکر مؤمنانی اند که در قول وعمل شان فرق نیامده ، عمرشان را به راستگوئی و صداقت سپری کرده باشند در صورتیکه در کارهای تجارتی صداقت نموده و بالعکس خیانت و

دروغگوئی روی کار شود . جامعه بطرف هلاکت و پسمانی سوق خواهد شد . چنانچه از عبدالله بن عباس رضی الله عنهما روایت است که جناب رسول الله صلی الله علیه وسلم تاجران پیمانه و ترازو را فرمودند :

"هر آینه شما مسؤلیت دو امر مهم را بعهده دارید که به سبب آن ملت های سابقه هلاک شدند . یعنی اگر در ترازو و پیمانه و گز ، طرق غلطی را اختیار کردید یعنی عدالت را رعایت نکرده وقت گرفتن زیاد بگیرید و در وقت بازپس دادن کم بدهید ، این کارتان سبب تباهی شما در دنیا و آخرت خواهد شد . (۱)

---

(۱) عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ عَبَّاسٍ رَضِیَ اللهُ عَنْهُ قَالَ : قَالَ رَسُوْلُ اللهِ صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَسَلَّمَ لِأَصْحَابِ الْکَیْلِ وَالْمِیْزَانِ : اِنَّکُمْ قَدْ وُلِّیْتُمْ اَمْرَیْنِ هَلَکَتْ فِیْهِمَا الْاُمَمُ السَّابِقَةُ قَبْلَکُمْ . (رواه الترمذی)

فوائد حدیث :

۱ - بدست آوردن نفقهٔ حلال موجب رضای خداوند (ج) است .

۲ - تاجر صادق و راستگوی در روز قیامت با انبیاء (ع)، صدیقین وشهدا خواهد بود .

۳ - تاجریکه درکار تجارتی خود از شریعت خلاف ورزی میکند ، این عمل وی موجب هلاکت او در دنیا و آخرت میگردد .

تمرین

۱ - تاجر صادق روز قیامت باکدام اشخاص خواهد بود ؟

۲ - مطلب از صداقت در تجارت چیست ؟

۳ - تاجریکه درمعاملات خود خیانت و دروغگوئی راعادت خودمیسازد واموال تقلبی راعوض اجناس اصلی عرضه می کند درنتیجه چه خواهد شد ؟

احتکار

عَنْ مُعَاذٍ رَضِیَ اللّٰهُ عَنْهُ قَالَ : سَمِعْتُ رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّی اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ :

بِئْسَ الْعَبْدُ الْمُحْتَكِرُ ، إِنْ أَرْخَصَ اللّٰهُ الْأَسْعَارَ حَزِنَ ، وَإِنْ أَغْلَاهَا فَرِحَ . «رواه البیهقی فی شعب الایمان»

معنی بعضی کلمات :

۱ - محتکر : غله‌فروشیکه به نیت گران شدن ، غله را نگهدارد .

۲ - أَرْخَصَ : اگر ارزان کند .

۳ - اسعار : نرخ ها .

۴ - حَزِنَ : غمگین شود .

۵ - فَرِحَ : خوش گردد .

معنی حدیث :

از معاذ رضی الله عنه روایت است که گفت : شنیدم از رسول الله صلی الله علیه وسلم که میفرمودند : بد است آن بنده الله (ج)، که محتکر است. اگر ارزان کند خدا (ج)، نرخها را غمگین گردد واگر قیمت گرداند آنرا خورسند گردد.

توضیح معنی حدیث :

از حدیث فوق الذکر معلوم میشود که احتکار در دین اسلام مذموم و بد است .

قاعدهٔ کلی اینست که انسان در تصرف براموال خود و نیز عرضه و فروش آن آزاد میباشد . ولی این آزادی بدو شرط ذیل مقید گردیده است :

۱ - اینکه استفاده از مال وتصرف در آن بوجه وطریقه مشروع بوده باشد .

۲ - باتصرف در مال خود موجب اذیت وضرر دیگران نگردد . .

رعایت این اصل مهم ، یعنی جلوگیری از احتکار که پهلوی حساس وبرجستهٔ

سیستم اقتصادی را تشکیل میدهد در هیچ سیستم اقتصادی جهان غیر اسلامی صورت نگرفته است . زیرا سیستم های کمونستی همهٔ ثروت را مال دولت دانسته ، افراد جامعه را از هرگونه تصرف و معاملات فردی محروم گردانیده است ، در حالیکه جوامع سرمایه داری فرد را مطلق العنان میداند ، که اولی راه تفریط و دومی را افراط را پیموده اند .

در مورد مذمت و بدی احتکار از حضرت عمر بن الخطاب رضی الله عنه روایت است که گفت :

از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنیدم که میگفت :

کسیکه مواد خوراکه و ضروریات مردم را احتکار و از اوشان باز دارد خداوند اورا بمرض جذام (که مرض بد است) و بافلاس و ورشکستی گرفتار می کند (۱) .

(۱) عَنْ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: يَقُولُ : مَنِ احْتَكَرَ عَلَى الْمُسْلِمِينَ طَعَامَهُمْ ضَرَبَهُ اللهُ بِالْجُذَامِ وَالْإِفْلَاسِ .

(رواه ابن ماجه والبیهقی فی شعب الایمان)

علاوتاً فلسفه درحرمت و مذمت احتکار اینست که عدهٔ از افراد جامعه (محتکرین) در نتیجهٔ احتکار بناحق پولدار گردیده ، وهمین عمل باعث میشود که عدهٔ دیگری متضرر وغریب ترگردند ، که این امر بالآخره بعدم توازن اقتصادی وسوء عدالت اجتماعی منجر گردیده افراد یک جامعه را درمقابل یکدیگر بدبین ودشمن میسازند .

فوائد حدیث :

۱ - شخص محتکر بد ، وعمل احتکار وی مذموم وزشت است .

۲ - محتکر خودخواه است ، یعنی بمفاد خودنظر داشته ولی بضرریکه از نتیجهٔ احتکار وی متوجه دیگران میگردد وقعی نمیگذارد .

۳ - مبتلاشدن محتکر بامراض ویا مواجه شدن وی با فلاس که درحدیث مبارک فوق الذکر آمده درحقیقت امر دعای بدبطریق زجر وتوبیخ است از جانب پیامبر اسلام درحق محتکرین .

تمرین

۱ - محتکر را جناب رسول الله صلی الله علیه وسلم ازچه نگاه بد گفته اند ؟

۲ - لغات ذیل را معنی کنید :

۱ - مُحْتَکِرَ :

۲ - اِنْ اَرْخَصَ :

۳ - اَسْعَارَ :

۴ - حَزِنَ :

۵ - فَرِحَ :

ریاء وخودنمائی

عَنْ اَبِیْ سَعِیْدِ بْنِ اَبِیْ فَضَالَةَ عَنْ رَسُوْلِ اللهِ صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَسَلَّمَ قَالَ :

اِذَا جَمَعَ اللهُ النَّاسَ یَوْمَ الْقِیَامَةِ ، لِیَوْمٍ لَا رَیْبَ فِیْهِ ، نَادٰی مُنَادٍ : مَنْ کَانَ اَشْرَکَ فِیْ عَمَلٍ عَمِلَهُ لِلّٰهِ اَحَدًا فَلْیَطْلُبْ ثَوَابَهُ مِنْ عِنْدِ غَیْرِ اللهِ . فَاِنَّ اللهَ اَغْنَی الشُّرَکَاءِ عَنِ الشِّرْکِ . (رواه احمد)

معنی حدیث :

ابوسعید بن ابوفضالة رضی الله عنه از رسول الله صلی الله علیه وسلم روایت میکند که فرمودند : وقتی که خداوند تعالی مردم را روز قیامت ، روزیکه در آمدن آن هیچ شکی نیست ، جمع میکند ، (فرشته) آواز دهنده

چنین آواز میدهد : کسیکه در عمل انجام داده با خدا (ج) کسی را شریک قرار داده باشد ، پس ثواب آن عمل را نیز از غیر خدا (ج) یعنی از آنکه اورا شریک گردانیده بود بطلبید ، زیرا خدای تعالی بی نیاز ترین شریکان است از شرک .

توضیح معنی حدیث :

از حدیث مبارک فوق الذکر معلوم میشود ، کسیکه کار نیکی مانند ادا نمودن نماز ، گرفتن روزه یا دادن خیرات و زکات ، ادای حج ، جهاد وغیره امور خیریه را انجام میدهد باید همهٔ آنها از روی اخلاص ، با صداقت تمام ومحض برای رضای خداوند (ج) بوده باشد ، نه برای خود نمائی ونشان دادن به مردم .

زیرا خداوند تبارک وتعالی منعم حقیقی و کامل است . بناءً عباداتیکه برای خداوند (ج) کرده میشود کس دیگری را در آن شریک قرار دادن کار

مسلمان کامل نیست .

در عین العلم آمده که (ریاء) عبارت از طلب کردن مقام ومنزلت از مردم است در مقابل عباداتیکه شخص انجام میدهد ، و این چند قسم است که قبیح ترین آنها ریائیست که در آن قطعاً ارادهٔ حصول ثواب وقصد عبادت بخداوند (ج) نباشد ، بلکه محض غرض خود نمائی بمردم وطلب مقام و منزلت نزد ایشان باشد ، چنین عمل باطل بوده وصاحبش مستحق عذاب الهی دردنیا وآخرت میباشد .

چنانچه سعدی شیرازی (رح) میگوید :

چون نباشد پاک اعمال از ریاء

هست بیحاصل چو نقش بوریا

بناءً آنانیکه درعروسی ویامرده داری وسائر مناسبات مشروع مصارف بیجانموده خود نمائی میکنند ، نه تنها اینکه ثوابی ازنتیجهٔ کارشان بدست نمی آورند ، بلکه

مستحق عذاب خداوندی نیز میگردند . زیرا چنین اشخاص میتوانند از مصارف اضافی درین راه ها که جنبهٔ ریائی محض دارد کاسته و یک اندازه پول خود را در بناد مدارس ، مساجد ، طرق خیریه مصرف و یا بجا بدین راه خدا (ج) بفقرا و مساکین و سائر مستحقین بدهند ، که با صرف آن درین راه ها هم باعث سرافرازی شان در دنیا نزد افراد جامعه بینوا میگردند وهم درصورتیکه این عمل را محض بغرض کسب رضای خدا (ج) کرده باشند نزد خداوند بی نیاز اجر وثواب عظیمی را کمائی خواهند کرد .

فوائد حدیث :

۱ - خداوند (ج) ، بی نیاز ، واحد و لا شریک است .

۲ - روز رستاخیز که در آمدن آن شکی نیست تمام مردم جمع میشوند .

۳ - ریاء اجر وثواب هر عمل نیکو را باطل ساخته و

شخص ریاء کار را مستحق عذاب الهی میگرداند .

تمرین

۱ – ریاء را توضیح نموده وبگوئید که کدام عمل انسان ریاء گفته میشود ؟
۲ – عواقب ریاء و اضرار آن را بیان نمائید .

اضرار ظلم

عَنْ جَابِرٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ اَنَّ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ :

اِتَّقُوا الظُّلْمَ فَاِنَّ الظُّلْمَ ظُلُمَاتٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ . وَاتَّقُوا الشُّحَّ فَاِنَّ الشُّحَّ اَهْلَكَ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ ، حَمَلَهُمْ عَلَى اَنْ سَفَكُوا دِمَاءَهُمْ وَاسْتَحَلُّوا مَحَارِمَهُمْ .

(رواه مسلم)

معنی بعضی کلمات :

۱ ـ اَلظُّلْمَ : تجاوز بدون حق .

۲ ـ اَلشُّحَّ : بخل و تنگ نظری .

۳ ـ حَمَلَهُمْ : وادار ساخت آنها را .

۴ ـ اسْتَحَلُّوا : حلال دانستند .

معنی حدیث :

از حضرت جابر رضی الله عنه روایت است که هرآیینه حضرت رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند : از ظلم وتجاوز غیر حق اجتناب کنید ، زیرا ظلم در روز رستاخیز سبب تاریکی های زیاد میگردد ، واجتناب نمائید از بخل ، زیرا بخل کسانیرا که قبل ازشما بودند هلاک کرده ، ووادارساخت ایشان را تا خون های یکدیگررا بریزند وحلال دانستند چیز هائی راکه بالایشان حرام بود .

شرح معنی حدیث :

چون دین مقدس اسلام دین عدل ، انصاف ، مساوات وبرادری است ، بناءً ظلم ، تجاوز وبی عدالتی را بد پنداشته وپیروان خود را از مبادرت بآن منع نموده بسوی عدالت وانصاف سوق میدهد . ازینجاست که حضرت رسول اکرم صلی الله علیه وسلم تاکیداً امرفرموده اندکه : ازظلم

وتجاوز غیر حق بر اشخاص اجتناب نمائید ، زیرا که ظلم سبب تاریکی های روز رستاخیز است ، که البته هدف از آن مواجه شدن بعذاب الهی است .

، همچنان بخل عملیست زشت و قبیح ، زیرا بخل است که تخم کینه و بدبینی را بین مردم کشت نموده و درنهایت امر موجب خونریزی ، قتل و قتال ، تباهی و بربادی میگردد . و اینهمه موضوعاتیست که در زمانه های مختلف بین ملل جهان بوقوع پیوسته و بچشم سر دیده شده است .
ازین سبب حضرت رسول اکرم صلی الله علیه وسلم پیامبر و هادی بشریت ، بر اجتناب ازین خصال مذموم و تباه کن تأکید ورزیده و از عواقب و نتائج ناگوار آن خبر داده است تا مسلمانان واقعی از آن خودداری کرده و به آن مبادرت نورزند .

فوائد حدیث :

۱ - ظلم باعث قتل وقتال ، حرام خوری و درنتیجه موجب عذاب دنیا وآخرت برای ظالم میگردد .

۲ - بخل و تنگ نظری عادتیست زشت و مذموم که باید ازآن اجتناب ورزید .

تمرین

۱ - اضرار ظلم و بخل را در جامعه بیان نمائید .

۲ - از نتیجه ظلم در روز قیامت چطور تعبیر شده است ؟

خلق نیکو

عَنْ أَنَسٍ رَضِيَ اللّٰهُ عَنْهُ قَالَ : قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ :

مَنْ تَرَكَ الْكَذِبَ وَهُوَ بَاطِلٌ . بُنِيَ لَهُ فِي رَبَضِ الْجَنَّةِ ، وَمَنْ تَرَكَ الْمِرَاءَ وَهُوَ مُحِقٌّ . بُنِيَ لَهُ فِي وَسَطِ الْجَنَّةِ وَمَنْ حَسَّنَ خُلُقَهُ بُنِيَ لَهُ فِي أَعْلَاهَا .

(رواه الترمذی وقال هذا حدیث حسن)
مشکوٰه ۴۱۲

معنی بعض کلمات :

۱ - بَاطِلٌ : ناحق و ناروا .

۲ - رَبَضِ : حوالی ، اطراف

۳ - الْمِرَاءَ : مناظره ، جدال ، نزاع .

معنی حدیث :

از حضرت انس رضی الله عنه روایت شده که گفت : رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند :

کسیکه ترک نماید دروغ گفتن را ، درحالیکه دروغگوئی امریست باطل ، بنا کرده میشود برای وی (قصری) درحوالی بهشت ، وکسیکه ترک نماید مناظره را ، درحالیکه حق بجانب باشد ، بنا کرده میشود برای او (قصری) در وسط بهشت ، وکسیکه نیک گردانید اخلاق خودرا ، بنا کرده می شود برای وی (قصری) درجای بلندی از بهشت .

توضیح معنی حدیث :

درحدیث فوق الذکر عبارت (وَهُوَ بَاطِلٌ) ذکرشده . این قید از جهت آنست که دروغ گفتن دربعضی مواقع وحالات جائز ودربعضی دیگر حتی واجب است . پس اجر عظیم وثواب زیاد برای کسانی است

که دروغ گفتن را در حالاتی ترک نمایند که دروغ گفتن جائز نباشد .

لذا چون امر محظور و ممنوعی را خاص برای رضای خداوند (ج)، ترک نموده است مستحق اجر عظیم در روز آخرت میگردد .

وَمَنْ تَرَكَ الْمِرَاءَ : وکسیکه مناظره را ترک کند مستحق اجر بزرگتر است ، زیرا او با این کار خود ، در حالیکه حق بجانب هم است ، از تواضع کار گرفته و نیز سعی ورزیده تا جلو آزردگی و تأثر جانب مقابل را گرفته باشد ، اما این درصورتیست که مناظره درامور دین نباشد ، چه درامور دینی باید تا وقتی به مناظره و مباحثه ادامه داد که حقیقت ظاهر و حق بجای خود قرار گیرد .

ولی آنانیکه بطور کُل خود را با خلاق نیک و پسندیده آراسته میسازند نسبت بهر شخص دیگر اجر بیشتر و بزرگتر دارند . زیرا متخلق شدن باخلاق حسن از یکطرف به زحمت ، تواضع و فداکاری فراوان ضرورت دارد ، و ازطرف دیگر نفع آن عام بوده ، بهرکس خیر و مفاد آن میرسد ،

و ازینجاست که حضرت باری تعالی پیغمبر خود حضرت محمد (ص) را به خلق حسن ستوده میفرماید :

وَإِنَّ لَكَ لَأَجْرًا غَيْرَ مَمْنُونٍ ۝ وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ

ترجمه :- وهرآینه هست ترا مزد بی نهایت — وهرآینه تو بر خوئی بزرگی .

علاوتاً متصف شدن بخلق حسن وقتی تحقق می یابد که انسان کردار نیک ، رفتار نیک وگفتار نیک را شعار خود بسازد که البته رسیدن به چنین مرحلهٔ والای عبودیت مستوجب اجر بس عظیم میباشد ، زیرا اخلاق نیکوی شخص مؤمن تهداب واساس همه نیکی ها وخوبیهای دیگر است .چنانچه شاعری میگوید :

إِنَّمَا الأُمَمُ الأَخلاقُ إِن ؟

هم ذهبت اخلاقهم ذهبوا

ازین سبب اشخاص ملحد وبی دین اولتر از همه میکوشند تا اخلاق شخص مسلمان را

سلب نمایند .

زیرا وقتی این جوهر تابنده ، یعنی اخلاق پسندیده از نهاد انسان سلب گردید ، دیگر تسخیر و استعمال او برای هرگونه اهداف ناجائز و غیر مشروع کاری است ساده و آسان .

فوائد حدیث :

۱ - ترک دروغ و مناظرهٔ بی نتیجه در آخرت ثواب زیاد دارد .

۲ - متخلق شدن باخلاق حسن ، صفت بزرگیست برای هر فرد مسلمان ، و اجر و ثواب آن نزد خداوند (ج) ، بس عظیم و بزرگ است .

تمـــرین

۱ - دروغ گفتن و مناظرهٔ بی نتیجه چه حکم دارد ؟

۲ - آیا دروغ گفتن در هر حالت مذموم و بد است ؟

۳ - کلمات ذیل را معنی کنـــید :

۱ - الكَـذِبَ :

۲ - رَبَضِ :

۳ - المِرَاءُ :

اخلاق سیئة

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ قَالَ : قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ :

ثَلَاثَةٌ لَا يُكَلِّمُهُمُ اللهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَا يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ، شَيْخٌ زَانٍ ، وَمَلِكٌ كَذَّابٌ ، وَعَائِلٌ مُسْتَكْبِرٌ . «رواه مسلم»

معنی حدیث :

از ابو هریرة رضی الله عنه روایت است که گفت : رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند : سه کسانی اند که خداوند (ج) ، با ایشان در روز قیامت سخن نمیزند ، وایشانرا تزکیه (از گناه پاک) نمیکند ، و نه بایشان نظر میکند ، وهست برایشان عذاب دردناک :

۱ - شخص پیر زناکار .

۲ - پادشاه بسیار دروغگوی .

۳ - فقیر خود خواه و تکبر .

توضیح معنی حدیث :

درحدیث مبارک فوق الذکر عده ای از صفات ناپسندیدهٔ افراد بشر که موجب غضب الهی و سرزنش بس بزرگی در روز قیامت میگردد بیان گردیده است . گرچه هدف این نیست که صرف همین اعمال بدترین اعمال است ، چه همواره احادیث و ارشادات آن حضرت صلی الله علیه وسلم مطابق باحوال اشخاص وشرائط زمان و با درنظر داشت زندگی اجتماعی مردم اوصاف نیک و یا بد را بیان داشته واز همین سبب است که درمورد بیان اعمال ناجائز دراحادیث مختلفهٔ آنحضرت (ص)، ارشادات مختلف بعمل آمده است که از آنجمله

اعمالیکه درین حدیث بیان گردیده باشد، زیرا:

۱ - عمل زنا، توسط شخص موی سفید و پیریکه با وصف رسیدن بسن کهولت و پیری ارتکاب گردد، واقعاً یک عمل بسیار زشت و ناپسند است.

گرچه عمل زنا، درهر وقت و زمان وبرای هر شخص حرام قطعی و گناه کبیره میباشد، ولی ارتکاب چنین عملی توسط اشخاص مسن و کلانسال که مرحلهٔ شباب و زمان غلبهٔ احساسات شهوانی را نیز پشت سر گذاشته اند، بسیار شنیع و بد است. زیرا وقتی طبقهٔ جوان و آنانیکه باوی سروکار دارند چنین عملی را از وی مشاهده نمایند طبعاً آنها نیز بارتکاب این عمل تشویق گردیده واز او پیروی مینمایند و درحقیقت عمل وی نه تنها سبب سقوط شخصیت خودش در دنیا و آخرت میشود، بلکه علاوه برآن باعث فساد جامعه و ماحول او نیز میگردد.

۲ - همچنان دروغ، گرچه در ذات خود گناه کبیره وامریست خلاف

مناعت انسانی وکرامت بشری ، ولی ارتکاب این عمل شنیع توسط کسیکه رهبری یک جامعه را بعهده داشته و یا کشوری را اداره می کند و مردم آن دیار از گفتار و کردار او تقلید مینمایند ، بدتر از دروغی است که توسط اشخاص عادی گفته میشود .

زیرا دروغ پادشاه و رهبر علاوه براینکه دیگران را بدروغ گوئی تشویق و وادار میسازد ، موجبات بی اعتمادی بین افراد آن جامعه را نیز فراهم مینماید که در نتیجه امور کشوری و لشکری و در نهایت امر شیرازهٔ وحدت ملی در آن جامعه از هم پاشیده شده و ادارهٔ مملکت به سقوط مطلق مواجه میگردد .

۳ — کبر و غرور شخص نادار و غریب :

تکبر و غرور نیز مانند سائر اعمال نامشروع دیگر در هر عصر و زمان و توسط هر شخصی ناپسند و ناجائز است ، زیرا کبریا ، خاصهٔ ذات یکتا بوده و برای

بنده، ولو در هر مقام و منزلتی قرار داشته باشد، نمی زیبد که بآن مباهات نموده و کبر و غرور را در اعمال خود راه دهد، ولی ارتکاب این عمل زشت از شخص نادار یکه از لحاظ موقف و منزلت دینوی نیز محتاج دیگران بوده و در کمترین درجهٔ توان مالی قرار داشته باشد، بدتر از دیگران است. زیرا عامل اصلی کبر و غرور که عبارت از استغناء است در اشخاص صاحب جاه و جلال از نگاه ظاهری وجود دارد، در حالیکه این علت در وجود شخص نادار و فقیر که از نگاه ظاهری نیز محتاج بدیگران است منتفی میباشد.

پس کبر و غرور شخص نادار و بیچاره جز نفرت و انزجار دیگران نسبت بوی و جز سیاه روزی بیشتر از پیش برای وی چیزی ببار نمی آورد. و از همین جا است که هادی عالم بشریت آنرا در جملهٔ بدترین اعمال انسانی بحساب آورده است.

فوائد حدیث :

۱ - بر هر مسلمان لازم است تا از دروغ ، زناکاری وکبر اجتناب نماید .

۲ - خداوند (ج)، با شخص زانی سالخورده ، پادشاه دروغگوی و نادار متکبر ، در روز قیامت سخن نمیزند .

۳ - خداوند (ج) ، در روز قیامت، پادشاه و رهبر دروغگوی ، پیر زناکار وگدای متکبر را بعذاب دردناک گرفتار خواهد کرد .

تمرین

۱ - خداوند متعال در روز قیامت با پادشاه دروغگوی ، کهن سال زناکار و گدای متکبر چه معامله خواهد کرد ؟

۲ - فوائدیکه از حدیث مبارک فوق الذکر بدست می آید برشمارید .

۳ - درحالیکه دروغگوئی ، زناکاری و تکبر برای هر شخص گناه بزرگ وعمل شنیع وقبیح است ، تخصیص بدی این اعمال به شخص پادشاه و رهبر، پیر کهن سال و انسان نادار وفقیر از چه لحاظ است توضیح دهید ؟

بدگمانی وبهتان

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ :

إِيَّاكُمْ وَالظَّنَّ فَإِنَّ الظَّنَّ أَكْذَبُ الْحَدِيثِ وَلَا تَحَسَّسُوا وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا تَنَاجَشُوا وَلَا تَحَاسَدُوا وَلَا تَبَاغَضُوا وَلَا تَدَابَرُوا ، وَكُونُوا عِبَادَ اللهِ إِخْوَانًا . (رواه البخاری والمسلم)

معنی حدیث :

از ابو هریرة رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند : اجتناب ورزید از بدگمانی ، زیرا بدگمانی دروغ ترین سخنها است . و نباشید درجستجوی عیب کسی ، وجاسوسی نکنید ، ومباشید درهمچشمی باکسی (هنگام خرید وفروش نرخ را بالا نبرید) ونه با همدیگر حسد

وبخیلی کنید و نه از یکدیگر روگردان باشید ، وباشید بندگان خداوند (ج) برادران یکدیگر .

توضیح معنی حدیث :

رسول الله صلی الله علیه وسلم درحدیث مبارک فوق الذکر از سلسله اعمالی نهی فرموده اند که اجتناب از آنها درحیات روز مره و زندگی اجتماعی ما اهمیت خاصی دارد . زیرا ارتکاب این اعمال بدبختی ، جنگ وجدل وتفرقه را میان افراد بشر بار آورده ، درحالیکه اجتناب از آن ها ریشه های اخوت وبرادری ، محبت وصمیمیت را در بین افراد یک جامعه تحکیم بخشیده وبرای رشد ونموی اقتصادی ، فرهنگی واجتماعی آن ممد واقع میگردد .

این اعمال عبارت اند از :

۱ - تجسس : یعنی گوش دادن به سخنان مردم ، وسپس آنرا طور نامطلوب

وبمنظور تأمین اهداف نامشروع بین مردم شایع کردن است ، که اولاً گوش گرفتن به سخنان مردم واستراق سمع ، وثانیاً پخش ونشر آن بین مردم ، هردو ، کاریست نامشروع وغیر مجاز ومخالف روابط ذات البینی افراد جامعه .

۲ - تجسس : آنست که شخصی را تعقیب نماید تا دراو عیبی پیدا کند وبعداً آنرا در بین مردم پخش نماید .

۳ - تناجش : ارتباط بخرید وفروش دارد که معنی مناسب آن دلالی شده میتواند ، وآن اینکه بین دلالان وتاجر فیصله قبلی صورت گرفته باشد که دلال باید چنین وانمود کند که مال را به قیمت زیادی میخرد ، درحالیکه ارادهٔ خرید مال را نداشته وصرف مقصدش گرم کردن بازار خرید وبازی دادن خریداران بوده وبخواهد جنس را از قیمت اصلی اش بلند تر بفروش رساند .

۴ - تدابر : اینست که غیبت یکدیگر را بنمایند ، وبمعنی قطع صله رحم نیز آمده است . این کار نیز موجب دشمنی و عداوت میگردد .

۵ - تحاسد : یعنی حسد بردن بمال و منال دیگران ونیز تباغض یعنی کینه ورزیدن وبغض داشتن نسبت بدیگران هم ازجملهٔ همین اعمال قبیحه دانسته شده ونتیجهٔ آنها جز ایجاد دشمنی وکدورت میان افراد بشر چیز دیگری نمیباشد . بناءً حضرت رسول اکرم (ص) این همه اعمالی را که بین افراد جامعه تفرقه ونفاق افگنده و آنهارا ازهم دورمی سازد نکوهش کرده و درعوض آن همه افراد جامعهٔ اسلامی را به اخوت و برادری دعوت واز بدگمانی و بدبینی نسبت بیکدیگر منع کرده است .

اینست شیوهٔ یک رهبر واقعی وحقیقی که متوجه همه زوایای زندگی پیروان خودبوده وآن ها را براهی سوق و رهنمائی میکند که سعادت وخوشبختی درهرحال نصیب شان باشد .

فوائد حدیث :

۱ - دین اسلام بدگمانی را دروغ ترین سخنان شمرده است .

۲ - گوش گرفتن سخنان مردم وبعد پخش کردن آن ، ونیز جستجوی عیب دیگران بمنظور اشاعهٔ آن بین مردم خلاف مقررات انسانی واسلامی بوده مرتکب آن گنهکار است .

۳ - حسد وکینه ورزی نسبت بیکدیگر رشته های اخوت وبرادری رامیان افراد جامعه از بین برده باعث بدبختی آنهامیگردد .

۴ - حیله کاری درمسائل خرید وفروش کاریست ناپسند و دوراز اخلاق انسانی واسلامی .

۵ - تدابر یعنی خورده گیری بریکدیگر درمسائل جزئی وقطع صلهٔ رحم وقطع روابط دوستی وبرادری دراثر رنجشهای بیجا نیز ازجمله اعمالیست نامطلوب که بایست انسانهای صاحب عقل ودانش وپیروان دین مقدس اسلام ازآن بپرهیزند .

تمرین

۱ - بدگمانی نسبت بیکدیگر و بسخنان مردم طور پنهانی گوش گرفتن چه ضرر دارد ؟

۲ - در دین مقدس اسلام عیب جوئی و عیب گوئی چرا نکوهش شده است ؟

۳ - حسد بردن بر مال و مقام دیگران چه نتیجه دارد ؟

۴ - بغض و کینه ورزی نسبت به یکدیگر چرا بداست ؟

۵ - در کار تجارت و خرید و فروش ، چال بازی و حیله گری چه عواقب ناگوار دارد ؟

۶ - جوامع بشری و افراد جامعهٔ اسلامی باید چطور به زندگی خویش ادامه دهند ؟ و چه معیارها را در روابط ذات البینی رعایت نمایند تا در زندگی شان اخوت و برادری ، خوشبختی و سعادت جا داشته باشد ؟

حسن صداقت و قبح خیانت در معاملات

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ ، قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ : إِنَّ اللهَ عَزَّوَجَلَّ يَقُولُ :
أَنَا ثَالِثُ الشَّرِيكَيْنِ مَالَمْ يَخُنْ أَحَدُهُمَا صَاحِبَهُ ،
فَإِذَا خَانَهُ خَرَجْتُ مِنْ بَيْنِهِمَا (وفی روایة) وَجَاءَ الشَّيْطَانُ .

(رواه ابو داؤد)

معنی بعضی کلمات :

۱ - ثَالِثُ : سوم .

۲ - خَرَجْتُ : خارج شدم .

۳ - مِنْ بَيْنِهِمَا : از میان هر دوی شان .

معنی حدیث :

از ابو هریرة رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند : به تحقیق خداوند (ج) میفرماید :

من سوم نفر بین دو شریک هستم تا وقتی که یکی بر دیگری خیانت نکرده باشد، ووقتیکه (یک شریک) درمورد شریک دیگر خود خیانت کند ، از بین هر دوی شان خارج میشوم . و در روایتی آمده است که (میگوید الله (ج)) بعداً بین آنها شیطان می آید .

توضیح معنی حدیث :

خداوند (ج) میفرماید : مردمیکه در کاروبار ومعاملات باهم شریک باشند ، تا وقتی که در شراکت خود خیانت وچالبازی علیه یکدیگر نکنند من با ایشان یکجا بوده یعنی ایشان راکمک و درانجام کارشراکت شان یاری میدهم وهم درمعاملات شان برکت می اندازم . اما وقتیکه شریکی

با شریک دیگر خود خیانت کند ، معاونت ورحمت من از ایشان دور گردیده
آنها را بحال خودشان رها میکنم ، و این وقتی است که دسایس شیطانی
بین ایشان راه یافته تا آنکه از یکطرف خیر وبرکت از کارشراکت شان
رخت بسته واز جانب دیگر یکی با دیگرش سرخصومت ، دشمنی ومخالفت را
گرفته ، زندگی ناآرام ، جنجالی و پرمشقت رانصیب میشوند .

لذا انسان باید همواره خصلت امانت داری وصداقت را چه
درمعاملات روزمره وچه درمعاملات شراکت دوامدارشعارخودساخته
ازخیانت و غلط کاری دوری گزینند .

آری ! ما درحیات روز مرهٔ خودمشاهده میکنیم که اشخاص
صادق وراستگوی درمعاملات تجارتی ، دکانداری ، زمینداری
و باغداری و دیگر کار و بار زندگی ، برعلاوهٔ اینکه مفاد زیادی را بدست
می آورند ، از محبوبیت بیشتر بین مردم و افراد جامعهٔ خود نیز برخوردار هستند .

واین بمراتب بهتر از آنست که شخصی دارائی زیادی را از راه غلط کاری و دروغگوئی بدست می‌آورد ، ولی در مقابل بانفرت و بی اعتمادی مردم روبرو گردیده هم از مال زیاد خیر و برکت حاصل کرده نمیتواند وهم در جامعه منفور همه بوده و هیچکس او را دوست واقعی خود نمیداند .

فوائد حدیث :

۱ - برای هیچ مسلمانی خیانت کردن در شراکت جائز نیست .

۲ - خداوند (ج) مددگار دو شریک است ، تا وقتی که آنها باهم صادق و راست بوده و بر یکدیگر خیانت نکنند .

۳ - خداوند (ج) رحمت و برکت خود را وقتی از دو شریک میگیرد که آنها بایکدیگر خیانت نمایند .

تمرین

۱ - تا وقتی که دو نفر شریک باهم راست کار بوده و از خیانت و دروغگوئی دوری جویند، خداوند (ج) با ایشان چه نوع احسان می کند؟

۲ - هرگاه دو شریک در کار شراکت خیانت نموده حق یکدیگر را بخورند خداوند (ج) با ایشان چه گونه معامله خواهد کرد؟

۳ - نتائجیکه از مفهوم حدیث فوق الذکر بدست می آید آنرا با درنظر گرفتن چشم دید خویش از امثال همچو شراکت ها در بین مردم همجوار و هم مسکن خود مقایسه کنید.

شفقت وترحم بر یکدیگر

عَنْ أَبِی هُرَیْرَةَ رَضِیَ اللّٰهُ عَنْهُ قَالَ : قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَسَلَّمَ :

اَلْمُسْلِمُ أَخُو الْمُسْلِمِ ، لَا یَظْلِمُهُ وَلَا یَخْذُلُهُ وَلَا یَحْقِرُهُ . اَلتَّقْوٰی هٰهُنَا ، وَیُشِیْرُ إِلٰی صَدْرِهٖ ثَلَاثَ مِرَاتٍ ، بِحَسْبِ اِمْرِءٍ مِنَ الشَّرِّ أَنْ یَحْقِرَ أَخَاهُ الْمُسْلِمَ . کُلُّ الْمُسْلِمِ عَلَی الْمُسْلِمِ حَرَامٌ ، دَمُهُ وَمَالُهُ وَعِرْضُهُ .

(رواه مسلم)

معنی بعضی کلمات :

۱ ـ لَا یَظْلِمُهُ : ستم وظلم نمیکند اورا .

۲ ـ وَلَا یَخْذُلُهُ : با او ترک همکاری وترک کمک نمیکند .

۳ ـ لَا یَحْقِرُهُ : توهین نمیکند اورا .

معنی حدیث :

از ابو هریرة رضی الله روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند : مسلمان برادر مسلمان است ، بر او ظلم نمیکند ، بر او از همکاری مضایقه نمیکند ، توهینش نمی نماید . پرهیزگاری اینجاست ! « راوی میگوید : آنحضرت صلی الله علیه وسلم در وقت گفتن این کلام سه بار بطرف سینهٔ شان اشاره نمودند » .

برای شخص همین قدر بدی کافی است که برادر مسلمان خود را توهین کند . تلف کردن حقوق مسلمان از قبیل خون ، مال و آبروی وی و ضرر رساندن بیکی ازین ها بر مسلمان دیگر حرام است .

شرح معنی حدیث :

حضرت رسول اکرم صلی الله علیه وسلم درین حدیث مبارک در مورد تهذاب و اساس جامعهٔ سالم و همکاریکدیگر ارشاد نموده

فرموده اند که : مسلمان برادر مسلمان دیگر است ، یعنی همه مسلمانان
در هرجا و هر محلیکه زیست مینمایند برادر دینی یکدیگر اند و بُعد مسافه
رشتهٔ این برادری را قطع کرده نمیتواند . وچون این اصل
اساسی بشکل فرضیه کلی قبول شد ، پس مُسَلَّم است
که باید هر نوع فساد وتصور هرگونه اذیت و آزار بین مسلمانان
جهان منتفی گردد . یعنی یک مسلمان بر مسلمان دیگر ظلم نکند ، در وقت
غم واندوه وهنگام ضرورت اورا تنها نگذاشته با وی همکاری لازم نماید .
یک مسلمان برادر مسلمان دیگر خودرا توهین وتحقیر نمی کند ، زیرا توهین
وتحقیر برادر مسلمان بزرگترین گناه تلقی شده ، چنانچه در حدیث مبارک
فوق الذکر از آن بصورت مؤکد وصراحت بیان گردیده است .
خلاصه اینکه نگهداری عزت وآبروی برادر مسلمان وهمچنان حفاظت
خون ومال وغیره منافع او وجیبهٔ انسانی واسلامی هر فرد مسلمان

دانسته شده و هریک از مسلمانان برعایت حقوق و منافع یکدیگر مکلف ساخته شده است .

فوائد حدیث :

۱ - چون مسلمانان باهم برادر اند ، باید بریکدیگر ظلم و تجاوز را روا نداشته و ازآن جداً بپرهیزند .

۲ - همچنان مسلمانان باید بایکدیگر همکاری داشته ازعیب جوئی وتوهین وتحقیر یکدیگر خودداری نمایند .

۳ - تلف کردن خون ، مال وآبروی برادر مسلمان بالای مسلمان دیگر حرام است .

تمرین

۱ - مسلمانان باید باهم چطور رویه داشته باشند ؟

۲ - در دار اسلام و دین اسلام تلف کردن خون و مال وآبروی برادر مسلمان چه حکم دارد ؟

۳ - آیا مسلمانیکه در شرق زندگی میکند ، با مسلمانیکه درغرب ویا دورترین نقطهٔ دنیا بود وباش دارد باهم برادر بوده وبروی حقوقی دارد ویا چطور ؟

ضرررسانی به برادر مسلمان

عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا قَالَ: صَعِدَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْمِنْبَرَ فَنَادٰى بِصَوْتٍ رَفِيعٍ فَقَالَ:

يَا مَعْشَرَ مَنْ أَسْلَمَ بِلِسَانِهِ وَلَمْ يُفْضِ الْإِيمَانُ إِلَى قَلْبِهِ! لَا تُؤْذُوا الْمُسْلِمِينَ وَلَا تُعَيِّرُوهُمْ وَلَا تَتَّبِعُوا عَوْرَاتِهِمْ فَإِنَّهُ مَنْ يَتَّبِعْ عَوْرَةَ أَخِيهِ الْمُسْلِمِ يَتَّبِعِ اللهُ عَوْرَتَهُ وَمَنْ يَتَّبِعِ اللهُ عَوْرَتَهُ يَفْضَحْهُ وَلَوْ فِي جَوْفِ رَحْلِهِ. (رواه الترمذی)

معنی بعضی کلمات:

۱ - وَلَمْ يُفْضِ: و نرسید، و جای نگرفت.

۲ - یَامَعْشَرَ : ای گروه .

۳ - لَاتُؤْذُوْا : اذیت نکنید ، ضرر نرسانید .

۴ - وَلَاتُعَیِّرُوْا : سرزنش نکنید ، افشا نکنید .

۵ - عَوْرَاتِهِمْ : عیب های مسلمین را .

۶ - وَلَوْفِیْ جَوْفِ رَحْلِهِ : اگرچه باشد در وسط منزل خود ویا درون خانه خود .

۷ - یَفْضَحُهُ : رسوامی کند اورا .

معنی حدیث :

از حضرت عبدالله بن عمر رضی الله عنهما روایت است که گفت : رسول الله صلی الله علیه وسلم بالا شد بر منبر ، پس صدا کرد باآواز بلند وگفت : ای گروه کسانیکه اسلام آورده اند بزبان های خود وجای نگرفته ایمان در دل های شان ، اذیت ننمائید مسلمانان را و نه ایشان را

طعن زنید، و مپالید عیب های ایشان را. هرآینه کسیکه تعقیب بنماید

عیب های برادر مسلمان خود را (تا رسوا سازد او را) خداوند (ج)

در جستجوی عیب های خود او میباشد. وچون خداوند (ج) در پی

عیب های شخصی باشد (حتماً) او را رسوا میکند ولوکه در درون

خانه خود نیز پنهان باشد.

توضیح معنی حدیث:

در صدر اسلام منافقین مسلمانان را با افشاگری های عیوبیکه قبل

از مشرف شدن بدین اسلام داشتند اذیت می کردند.

باین ترتیب که در مورد آن در هرجا و با هرکس صحبت می نمودند تا مسلمانان را

ازین درک ناآرام سازند. این عمل غیر انسانی منافقین ضربهٔ شدیدی

بر وضع روحی مسلمانان وارد می کرد، روی همین ملحوظ پیامبر اسلام (ص)

چنین اشخاص را شدیداً مورد نکوهش قرار داده و ایشان را از عواقب

کارشان که عذاب دردناک خداوندی را سبب میشود آگاه ساختند .

بناءً گرچه شأن ورود حدیث مذکور مورد خاص دارد ، ولی حکم آن عام است ، یعنی باید هر مسلمان و مؤمن کامل ازینگونه عادات زشت و ناهنجار که خصلت منافقین صدر اسلام بوده و باعث بی حرمتی وبی عزتی برادر مسلمان وی میگردد جداً بپرهیزد تا خدای ناخواسته خود وی در زمرهٔ آن منافقین بحساب نرفته و مورد عتاب وغضب خداوندی و رسوائی دنیا و آخرت قرار نگیرد .

فوائد حدیث :

۱ - شخص مؤمن ومسلمان را بیجا تکلیف دادن از خصلت منافقین است .

۲ - عیبجوئی مسلمانان و هتک حرمت آنان موجب رسوائی در دنیا و آخرت برای خود شخص نیز میباشد .

تمرین

۱ – تکلیف دادن برادر مسلمان وعیبجوئی وی چه حکم دارد ؟

۲ – افشاء عیب دیگران و هتک حرمت برادر مسلمان راجع به شخص اجراکنندهٔ این عمل نشانهٔ چیست ؟

۳ – موقف اینگونه اشخاصیکه متصف بصفات مندرجه درحدیث فوق الذکر باشند درجامعه چه خواهد بود ؟

توبه و بازگشت بسوی خدایگانه

عَنِ الاَغَرِّ بْنِ يَسَارٍ الْمُزَنِيِّ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ قَالَ : قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ : يَا أَيُّهَا النَّاسُ تُوبُوا إِلَى اللهِ وَاسْتَغْفِرُوهُ فَإِنِّي أَتُوبُ فِي الْيَوْمِ مِائَةَ مَرَّةٍ . (رواه مسلم)

معنی حدیث :

از اغر بن یسار رضی الله عنه روایت است که گفت : رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند : ای مردم ! بخداوند (ج) رجوع کنید وطلب مغفرت از آن ذات نمائید ، بدرستی که من هر روز صد بار توبه میکنم .

توضیح معنی حدیث :

درین حدیث مبارک جناب رسول الله صلی الله علیه وسلم امت خود را به توبه واستغفار ترغیب مینماید . زیرا با وصف اینکه پیامبر خداوند (ص) معصوم از گناه واز بهترین افراد بشر بوده اند باز هم روزانه صد بار استغفار وتوبه مینمودند ، گرچه این توبه در واقع از گناه ارتکاب شده نبوده بلکه جهت ادای شکران نعمت بود که در مقام عبودیت خود را نزد خداوند (ج) قاصر مییدانستند ، وهم بخاطر این بود که اوشان گاهی بواسطهٔ اشتغال به برخی از امور از ذکر وادامهٔ عبادت باز می ماندند واز خوف اینکه بواسطهٔ همین عمل مواخذه نشوند به طلب استغفار و توبه میپرداختند .

خداوند تبارک وتعالی درمورد توبه میفرماید : (ای مسلمانان

رجوع کنید بسوی خدا رجوع خالص)[1].

و نیز میفرماید : (و رجوع کنید بسوی خدا ای مؤمنان همه تان تا شما رستگار شوید)[2].

علماء گفته اند که توبه کردن از گناه واجب است . ولی هرگاه گناه از جمله حقوق الله بوده و بحقوق بندگان ارتباطی نداشته باشد برای قبول توبه سه شرط وجود دارد :

۱ - اینکه خود را از معصیت و گناه پاک نگهدارد

۲ - اینکه از انجام عمل سابقهٔ خود پشیمان گردد .

---

(۱) خداوند (ج) میفرماید: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تُوبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَصُوحًا ۝ سورة التحريم ۸

(۲) و خداوند (ج) میفرماید : وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ۝ (سورة النور ۳۱)

۳ - اینکه تصمیم قاطع گیرد که در آینده مرتکب آن گناه نخواهد گردید و این تصمیم را عملی کند.

اگر معصیت و گناه بحقوق انسان ها تعلق داشته باشد، علاوه بر عمال شروط فوق الذکر چهار شرط دیگر نیز برای قبول توبه وجود دارد :

۱ - اینکه رضامندی صاحب حق را حاصل نماید. پس اگر مال کسی را تلف کرده، یا آنرا طور رشوت و یا به غصب و یا سرقت گرفته باشد، لازم است بوی بازگرداند.

۲ - هرگاه به شخصی قذف یعنی دشنام داده و یا درحق وی بهتان نموده، یا غیبت ویرا نزد مردم کرده باشد و یا بنوعی از انواع بر حقوق ویا حیثیت وی تعرض کرده باشد، باید آنرا جبران کرده و از صاحب حق برائت حاصل نماید، یعنی از او طلب عفو وبخشش نماید.

۳ - اگر کسی را بناحق لت وکوب کرده باشد

۴ – ویا اینکه خون کسی را ظلماً و بناحق ریختانده باشد ، درین دو صورت اخیر صاحب حق را قدرت جبران دهد ویا از وی عفو و بخشش بخواهد و قناعت او را حاصل نماید .

درصورت ندادن حق ویا نخواستن عفو و بخشش ، در روز قیامت اعمال قبول شدهٔ او از طرف خداوند (ج) بصاحب حق داده میشود . و درصورت نبودن اعمال حسنه و نداشتن ذخیرهٔ نیکی ، گناهان صاحب حق برگناهان خود او بارشده وبجای صاحب حق این ظالم به سبب گناهان خودش وگناهان صاحب حق معذب میگردد .

فوائد حدیث :

۱ – رسول اکرم (ص) همه مسلمانان را به توبه و استغفار ببارگاه ایزدی امرکرده است .

۲ – اگر مسلمانی هر روز صد بار توبه و استغفار نماید پیروی از

پیامبر اسلام (ص) کرده است .

۳ - خداوند (ج)، توبهٔ مسلمان را که با شرائط توبه کردن موافق باشد قبول خواهد کرد .

تمرین

۱ - توبه کردن برای کدام اشخاص لازم است ؟

۲ - رسول اکرم (ص) ، راجع به توبه و استغفار چه فرموده اند ؟

۳ - شرائط توبه کردن را درصورتیکه گناه ارتکابیه تجاوز بحقوق عباد نباشد بیان نمائید .

۴ - درصورتیکه شخصی با تجاوز بحقوق عباد مرتکب گناه گردیده باشد برای قبول توبهٔ وی چه شرائط مقدماتی وجود دارد ؟

۵ - اندازهٔ توبه و استغفار را از قول رسول اکرم صلی الله علیه وسلم بیان نمائید .

امیدوار بودن بلطف و کرم خداوند تعالی

عَنْ أَنَسٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ قَالَ : سَمِعْتُ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ : قَالَ اللهُ تَعَالَى :

يَا ابْنَ آدَمَ ! إِنَّكَ مَا دَعَوْتَنِي وَرَجَوْتَنِي غَفَرْتُ لَكَ عَلَى مَا كَانَ مِنْكَ وَلَا أُبَالِي .

يَا ابْنَ آدَمَ ! لَوْ بَلَغَتْ ذُنُوبُكَ عَنَانَ السَّمَاءِ ثُمَّ اسْتَغْفَرْتَنِي غَفَرْتُ لَكَ وَلَا أُبَالِي .

يَا ابْنَ آدَمَ ! إِنَّكَ لَوْ أَتَيْتَنِي بِقُرَابِ الْأَرْضِ خَطَايَا ثُمَّ لَقِيتَنِي وَلَا تُشْرِكُ بِي شَيْئًا لَأَتَيْتُكَ بِقُرَابِهَا مَغْفِرَةً .

« رواه الترمذی » ۳۵۳۴

معنی بعضی کلمات :

۱ - رَجَوْتَنِي : امید واری بمن کنی .

۲ - عَنَانَ السَّمَاءِ : بلندی آسمان یا (کنایه از زیاد بودن) .

۳ - بِقُرَابِ الْأَرْضِ : قریب پری زمین ، باندازهٔ زمین .

۴ - خَطَايَا : گناهان .

۵ - لَا أُبَالِي : باکی ندارم .

۶ - لَقِيْتَنِي : خود را بمن نزدیک ساختی .

معنی حدیث :

از حضرت انس رضی الله عنه روایت است که گفت : از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنیدم که میفرمودند : خداوند تعالی فرموده : ای فرزند آدم ! هر آئینه تو تا آنوقتی که از من بخواهی و امید واری از من نمائی ، می آمرزم ترا بر هر عملی که باشد در تو از گناهان تو و باکی ندارم

ای فرزند آدم ! اگر برسد گناهان تو به بلندی آسمان ، وبعداً از من طلب آمرزش نمائی ، می آمرزم ترا و باکی ندارم.ای فرزند آدم ! بدرستی اگر تو باگناهانیکه باندازه پری زمین است نزد من آئی وسپس بامن روبروشوی ، درحالیکه بامن کسی را شریک نسازی ، باندازه پری زمین توأم بامغفرت وبخشش باتو مواجه میگردم .

توضیح معنی حدیث :

مطلب اساسی ازین حدیث مبارک اینست که انسان عاصی در حالیکه از شرک دوری گزیند باید ، هیچوقت از رحمت الهی مأیوس نباشد ، زیرا طبق صراحت این حدیث و دیگر نصوص شرعیه شخص مسلمان ، گرچه عاصی هم باشد ، بازهم در نهایت امر داخل جنت میگردد . ودرصورتیکه لطف الهی شامل حالش باشد امید آن میرود که قبل از رسیدن به کیفر اعمالش نیز مورد عفو قرار گرفته داخل جنت گردد .

ولی بهیچ صورت کسی بناحق و بدون داشتن گناه مجازات و معذب نمیشود .

باوصف این همه، بنده نباید باحادیث رحمت ونصوصیکه برعفو الهی مشتمل است مغرور گردیده بی بند و بار و دور از مفهوم بندگی مرتکب گناه گردد . زیرا اصل در انسان ، اسلام و عدم شرک آوردن بخدا (ج) واصل دراسلام تقوی و پرهیزگاری ، بجا آوردن اعمال نیکو و اجتناب از نواهی واعمال زشت است . و درصورتیکه باوصف عقیده باین اصول باز هم تحت تاثیر نفس اماره وتحریک شیطانی رفته مرتکب گناه شود، نباید از رحمت وسیع الهی مأیوس گردد . زیرا مأیوسی بدبختی بیشتر بار آورده انسان عاصی رابسوی عصیان بیشتر سوق میدهد . پس احادیث رحمت الهی برعلاوهٔ اینکه انسان را بآینده امیدوار و به عفو الهی معتقد میسازد ، اورا ازارتکاب گناهان بیشتر نیز منصرف وباز میدارد .

فوائد حدیث :

۱ ـ خداوند (ج)، گناهان کسی را که خواسته باشد مورد عفو قرار میدهد.

۲ ـ بندهٔ مؤمن گناهکاریکه روبسوی خدا (ج)، آورده وطالب عفو او تعالی میگردد، گرچه گناهان وی بیحد زیاد هم باشد، بازهم خداوند تعالی بلطف خویش اورا وعدهٔ عفو وبخشش داده است.

۳ ـ کسی یاچیزی را شریک با خداوند (ج) آوردن گناهی است نابخشودنی، ومرتکب آن همیشه در دوزخ میباشد.

تمرین

۱ - خداوند (ج)، گناهان چه کسانیرا مغفرت میکند ؟

۲ - لغات ذیل را معنی کنید :

- رَجَوْتَنِی :

- عَنَانَ السَّمَاءِ :

- بِقُرَابُ الْأَرْضِ :

- خَطَایَا :

۳ - در حدیث مبارک فوق الذکر مراد از (عَنَانَ السَّمَاءِ) و (قُرَابُ الْأَرْضِ) چیست ؟

مأخذ

۱ - بخاری شریف : تصنیف ابوعبداللہ محمد بن اسمٰعیل بخاری ۔

۲ - مسلم شریف : " مسلم بن حجاج نیشاپوری ۔

۳ - ابوداود : " سلیمان بن اشعث سجستانی ۔

۴ - ترمذی : " ابوعیسیٰ محمد بن عیسیٰ ترمذی ۔

۵ - نسائی : " ابوعبدالرحمٰن احمد بن شعیب نسائی ۔

۶ - ابن ماجہ : " ابوعبداللہ محمد بن یزید قزوینی ۔

۷ - مشکوٰۃ : " ابومحمد حسین مسعود الفراء البغوی ۔

۸ - اشعۃ اللمعات شریف : " شیخ عبدالحق محدث دہلوی ۔

۹ - تسہیل البخاری : " مولوی عبدالہادی شاہ منصوری ۔

۱۰ - الاربعین النوویۃ : " امام یحییٰ بن شرف الدین النووی ۔

اهداف نصاب تعلیمی ادارهٔ مرکز تعلیمی افغانستان !

هدف عمومی : توحید نمودن نصاب تعلیمی تمام تنظیم های جهادی و بوجود آوردن تعلیم و تربیهٔ خاص و جامع اسلامی که ضد هر نوع باطل پرستی و بدعت ها بوده همچنین استحکام بخش مفاهیم و قوانین کلی اسلامی در جامعهٔ اسلامی افغانستان باشد .

هدف خصوصی : نصابیست که درس توحید و وحدانیت را به سپاهیان اسلام و رهروان راه حقیقت داده تا متمسک سنن و قوانین عالی و معقول شرع انور طور دایم و قایم گردند .
این نصاب متضمن آسایش و سواد اسلامی با درنظر داشت وجایب و شرایط جهادی ، فلسفی ، اقتصادی ، فرهنگی ، مدنی و معیشتی بوده که در عین حال ممثل پیوند و اتصالات ناگسستنی با جهان اسلام و مبین فلسفهٔ مقدس اسلام عزیز می باشد .

هدف نهائی : اعلای کلمة الله ، نشان دادن عظمت و شان اسلام به جهانیان ، اضمحلال کمونیزم در افغانستان و جهان و مبارزه با طاغوطیان زمان بر اساس مبانی و اصول قوانین قرآن عظیم الشان ، شریعت غرای محمدی و فقه حنیف حنفی در راه حصول رضای خداوند (ج) هدف نهائی این نصاب تعلیمی می باشد .

((وَمِنَ اللّٰهِ التَّوْفِيْقُ))

این کتاب رایگان توزیع می گردد خرید و

فروش این کتاب ممنوع میباشد ٠

سال طبع حمل ۱۳۷۱ تعداد طبع (۵۰۰۰)

مدیریت نصاب مرکز تعلیمی